

درسهای اول ماه مه

روز اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران جهان، امسال نیز مانند سالهای دیگر علی‌رغم تمام فشارها و مفاقی سرمایه داری، و با اینکه بسیاری از رژیم های سرمایه داری و ارتجاعی اجازه برگزاری ایسن مراسم را به کارگران ندادند، از جانب پرولتاریای جهانی و تمامی علاقه مندان به آرمان والای ایسن طبقه در سرتاسر جهان جشن گرفته شد.

طبقه کارگرایران نیز بعنوان جزئی از سپاه عظیم پرولتاریای جهانی امسال به برکت دست آورد های مهمی که با شرکت فعال خود در انقلاب دمکراتیک و مپریالیستی دست آورده است و بیخاطر خونهای که به همراه دیگر اقشار و طبقات خلق در راه آزادی و استقلال مردم ستمدیده داده است، نوانست پس از ۲۶ سال نور و خفقان این روز را در فضای سیاسی نوینی جشن بگیرد.

برگزاری این مراسم، خواسته های طبقه کارگر ایران و مسائل و مشکلات کنونی او را در راه پیوند راه پرشکوه خویش با وضوح بیشتری به نمایش گذاشت، و بار دیگر ضرورت برخورد جدی با این مسائل را از جانب نیروهای م.ل. خاطر نشان ساخت. ما در این مقاله سعی میکنیم اساسی ترین نتیجه گیریهای خود را از جریانهای که در این روز گذشت بیان نمائیم:

دمکراتیسم پرولتاریایی

۱- هر چند روز اول ماه مه در شرایطی برگزار شد که هنوز حزب کمونیست ایران و ستاد واحد رهبری کشته طبقه کارگر وجود نیا آمده است، و هر چند بخش بزرگی از توده های کارگر بدنیا ل رو بیونیستیها و انحصار طلبان سیاسی کشیده شدند، ولی به جرات میتوان گفت که بخشی از طبقه کارگرایران برای اولین بار پس از سال ۲۲ با شعارها و درخواستهای مستقل خود به میدان آمد. تجلی این حرکت در تظاهرات دهها هزار تیریمی خانه کارگر بود، در این تظاهرات عظیم طبقه کارگر ایران توانست دمکراتیسم پرولتاریایی و آرمانهای والایش را به نمایش گذارد، و با شعارها و خواسته های عادلانه سیاسی و صنفی خود سایر دستگرا این حقیقت را بیان کند که تنها طبقه کارگر است که پیپوچو ممنون پیروزیهای محدود بدست آمده در انقلاب دموکراتیک و فدا مپریالیستی نبوده و نیست و همواره بر ادامه انقلاب و تصفیه حساب قاطع با دشمن خلقها تأکید دارد، به همین لحاظ بود که طبقه کارگر در تظاهرات خانه کارگر فریاد برداشت که: " صنایع وابسته ملی باید گردد، حقوقی زحمتکشان پرداخت باید گردد" و با بر پرچم خود نوشت: "را- دیور، تلویزیون متعلق به ملت است، سهم کارگر بیش از همه است" و " امپریالیسم آمریکا خونخوارترین دشمن خلقهای جهان" و ... و بدین ترتیب آگاهی و هوشیاری و پیگیری خود را به نمایش گذاشت و نشان داد که مبارزه فدا مپریالیستی و دمکراتیک برای او تازماتی که تمام مظاهر امپریالیسم نه فقط از مین ما بلکه از همه جهان برچیده نشود و مظهر ستم و اختناق برجای مانده باشد، ادامه خواهد یافت، او با عنوان کردن این شعار که "تفرقه سلاح امپریالیسم و صهیوسیسماست" نشان داد که بدامی که ارتجاع برای تفرقه افکنی در صفوف خلق تدارک دیده است نمی آید. آنان هر نوع سازشکاری و خائنت به مصالح توده ها را با این شعار: " کارگر زحمتکش، علیه هر نوع سازش، فریاد خود را برکش" محکوم ساختند. آنها بر پرچم خود نوشتند: " آهنین باد مشت کارگران... ". " چکش کارگر برفرق ستم کوبیده میشود.. " و بدین ترتیب با صراحت تمام قیام ممصمانه خویش را بر علیه هر نوع ستم ابراز نمودند.

بر اساسی چرا آنها نمیتوانند این چنینی مطالبات و پیگیریانه از خواسته های دمکراتیک و فدا مپریالیستی توده ها حرف بزنند؟ طبقه کارگر با صراحت تمام به این چرا پاسخ میدهد: " سهم کارگران رنج، سهم کارفرمایان گنج " و بدین ترتیب با این بیان نشان میدهد، که هیچ نوع دل بستگی او را به نظام سرمایه داری پیوند نمی دهد. و هیچ نوع در جازدنی برای وی در چنین نظامی متصور نیست و رستگاری واقعی پیغمبر در صفحه ۲

پیکار

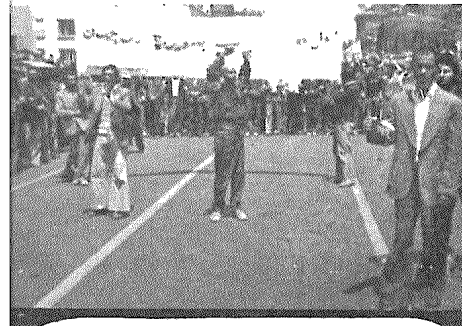
۱۷ اردیبهشت ۱۳۵۸ ● بهاء: ۱۰۰ ریال

- قطعنامه راهپیمایی اول ماه مه
- لجن پراکنی حزب توده (۲) صفحه ۶
- "اول مه" از نینن صفحه ۵
- مذاهب و تبلیغات ضد کمونیستی صفحه ۵
- فلسطین و توطئه های امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع صفحه ۷

گزارشی از راهپیمایی صدها هزار نفری اول مه (خانه کارگر)

موج عظیم انسانی، صوفی از اتحاد و همبستگی کارگران و نیروهای دمکرات و صد مپریالیست ساعت ۹/۵ صبح، از جلوی خانه کارگر، برای میامند، تا روزجهای کارگرا با شکوه تمام، برپا دارد. تا با اعلام خواسته های برحق کارگران زحمتکش، این عیدخونین طبقه کارگرا به فریادی بدل کند که از طوقوم تمامی خلق زحمتکش و ستمدیده ما، بر علیه ظلم و استعمار، برکشیده میشود. هر چه بر ظننن ساد فرسادهان!

- ★ ما خواستار آزادی احصاعانه قلم و بیان هستیم.
- ★ ما خواهان صنعتی شدن کشاورزی و احداث سد مادرتهم و خواسته های بحق توده های زحمتکش کارگر را کسب خواسته هر زحمتکش است، بیان میکنند. بقیه در صفحه ۲



کارگران رزمنده، در جلوی صف گام برمیدارند، بلاکارد ها و شعارهایی از جانب گروههایی از کارگران کارخانه های مختلف سرفرز از چهره های رنج کشیده و ممصم کارگران براراشته شده است. اما هر شعار، خواسته های تمامی طبقه کارگر زحمتکش سرزمین ما را بیان میکنند. کارگران با شعارها و پلاکاردهای خود، در مقابل دشمنان خلق و سازش کاران، صف آرا شده اند:

- ★ امپریالیسم خونخوار، دشمن خلقهای ما.
- ★ مرگ بر آمریکا، دشمن خلقهای جهان.
- ★ ما خواهان ضمنن عدم صدور نفت به آمریکا، اسرائیل و آفریقای جنوبی هستیم.
- ★ ملی کردن سرمایه های خارجی و شرکای عارتگردا خلیشان.
- ★ برای کوتاه کردن دست امپریالیسم از زحمت کشان، باید با ننگها، صنایع، و کارخانه ها و تمام سرمایه های وابسته ملی گ.
- ★ کارگران بهره کشی انسان از انسان، استثمار را محسوس میکنند. چرا که بهتر از هرکس با تمامی گوشت و پوست خود آن را پس میکشند.

- ★ سهم کارگران رنج، سهم سرمایه دار گنج.
- ★ کارگر میسازد، رنج میبرد، کارفرما میخواهد، گنجر را میبرد.
- روی یک پارچه بزرگ، چهره ممصم کارگری نقش بسته است که با تمام وجود خود ممصمانه میگوید:
- ★ کارگر ایرانی دیگر زیر بار ستم نمیبرد.
- کارگری از شدت هيجان اشک بچشم آورده است. بر فرار سرش شعاری تاب میخورد:
- ★ درس بجای کسار، برای کودکان کارگر.
- و کودکی که بردوش کارگری است، میخندد. در آینده او باید بتواند درس بخواند. صف همچنان به پیش میرود. موج انسانی سردخووانان متراکم میشود، شعار میدهد:
- اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد!
- شعارها و پلاکاردهایی که در دست نیرومندان کارگران، با هتزاز درآمده است، خواسته های حقه تمامی خلق را می طلبد:

درباره مسئله ملی

قیام مسلحانه بهمین ماه طومار ننگین سلطنت را بر سرای همیشه در هم پیچیده، انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران را در مسیری تازه و با وظایفی نینن و حساس قرار داد.

اگر قبل از قیام، توده های مردم صرف نظر از هرگونه اختلاف، متحدانه دور هم جمع شده، تمامی قدرت، ابتکار و شور انقلابی خود را در راه تحقق مسئله عمومی و مشترک بکار می انداختند، امروزه، در شرایط بعد از قیام تنها اقشار و نیروهای پیگیر انقلاب هستند که خواهان رشد کن شدن کلیه مظاهر سلطه و نفوذ امپریالیسم و دستپایین به خواسته های انقلابی خود می باشند. از این میان ملیتیم بقیه در صفحه ۲

ترور آیت الله مطهری محکوم است!

در شرایطی که خلقهای ما سیش از هر زمان دیگر با اتحاد عمل در راه مبارزه خود علیه ارتجاع و امپریالیسم زخمی نیاز دارند در شرایطی که هر نوع نفاق افکنی و منحرف کردن ذهن توده ها از سمت اصلی مبارزه خود جز دشمن خلقها را خوشحال نمیسازد، روی آوردن به شیوه های تروریستی و رواج آن در جامعه، نمیتواند بچیزی جز ارتجاع و امپریالیسم خدمت کند.

بدین لحاظ، ما به همراه تمام نیروهای انقلابی دموکرات و فدا مپریالیست که بحق به توطئه هایی که اینچنین اعمالی میتواند زمینه آنرا فراهم سازد آگاهی دارند، ترور آیت الله مطهری را بشدت محکوم میکنیم.

- مستحکم تر باد پیوند خلقهای ایران!
- نایب باد بقایای ارتجاع و سلطه امپریالیسم!
- سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

ادامه از صفحه اول

این روزی فرا میرسد که اثری از نظام سرمایه داری بر جای نمانده باشد. بنابراین از نظر او هر خواست آزادیخواهانه و استقلال طلبانه، نه بخودی خود هدف غائی و نهائی است و نه طبقه کارگر میخواهد بر روی گلبرگهای بدست آمده از اینسزراه بیارآمد و در جازند بلکه او صرفا این دموکراسی و راهائی از قید و بند امپریالیسم را برای رسیدن هر چه سریعتر به سوسیالیسم و جامعه بی طبقه طلب میکند. این آرمان و اعتقاد پرولتاریائی بر پرچم هائی که به همراه صدها هزار انسان حرکت میکرد نقش بسته بود و این یکی از آنهاست که: " جواز عبور طبقه کارگر را تاریخ صادر کرده است " ۲ - اما آنچه برای طبقه کارگر مهم است تنها طرح شعارها و خواستهای عادلانه و برحق و سر دادن سرود در راه آرمان هایش نیست بلکه عملی کردن این شعارها و رسیدن به این آرمانها نیز مطرح است. تنها سلاح طبقه کارگر، در این راه، شکل و اتحاد است. ندائی که کارگران بهمراه متحدین خود در این روز سردادند که: " اتحاد، اتحاد، زحمتکشان اتحاد " و یا " زنده باد اتحاد رنجبر "، دستهای که در فضا بپلامات اتحاد برهم فشرده شد، همه و همه بیانگر این حقیقت بود.

آنچه در اینجا، در راه رسیدن به هدف شکل و اتحاد بیش از هر چیز دیگر اهمیت دارد پیوند هر چه بیشتر نیروهای مارکسیست - لنینیست با طبقه کارگر از یک طرف و تلاش برای وحدت این نیروها از جانب دیگر است.

حرکت طبقه کارگر ما در جریان انقلاب اخیر و همینطور در روز اول ماه مه نشان داده است که به لحاظ عینی و بخاطر پاسخ گفتن به نیازها و ضرورتهای بسیار مبرمی که امروزه در جهت تحقق خواستهای طبقه کارگر مطرح شده - زمان این اتحاد و پایان دادن به تفرقه و پراکندگی نیروهای م.ل. فرارسیده است - و این جز در گرو کوشش صادقانه نیروهای م.ل. نیست، در این راه وظایف سنگینی بر دوش تک تک این نیروهای (م.ل.) قرار دارد:

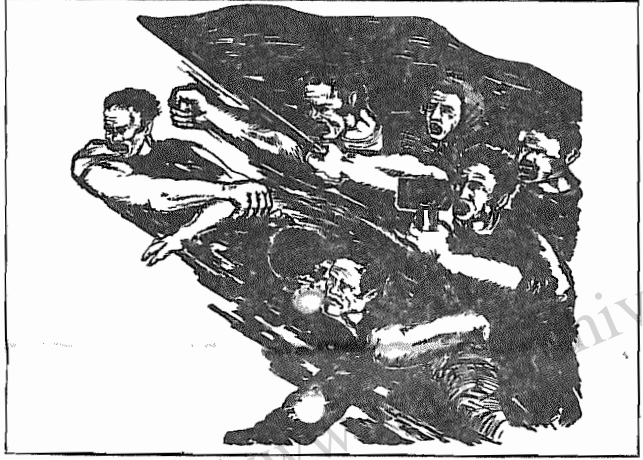
تصفیه حساب قطعی با تاکتیک و نظرات و عملکردهای انحرافی گذشته، چه از جانب نیروها و چه درگذشته خود را از صحنه اصلی مبارزه خلقها دور نگهداشته و بر مواضع بی عملی و پاسیفیستی قرار داشته اند و چه از جانب نیروهای که بر مٹی چریکی استقرار داشتند و پایان دادن به فرصت طلبی هائی که بصورت شانه خالی کردن از انتقاد از خود صادقانه عرض کردن شعارها و حتی تاکتیک خود بدون توضیح و برخورد جدی با نظرات قلبی و ... که متاسفانه رواج دارد، گذشت از منافع محدود گروهی و بی بردن به عمق سکتاریسم، و عظمت طلبی های گروهی، پایان دادن به شیوه های مبتذل خرده بورژوازی در برخورد این نیروها به همدیگر و بی بردن به عاقبت برخورد های کج دار و مریز با رویزیونیسم و برخورد صریح و قاطع با آن (و مطهر اصلی آن حزب توده) ... از جمله وظایف سنگین و مسأله ای است که بناگزیر نیروهای صدیق م.ل. باید که بدان پاسخگو باشند.

همبستگی و مغوف واحد نیروهای م.ل. در روز اول ماه مه به تنهایی بسیاری از واقعیت های فوق را در عمل نشان داد. این روز فراموش نشدنی بوضوح آشکار ساخت که تنها در سایه اغماض و گذشت از منافع محدود گروهی و همکاریهای رقیبانه، و تاکید بر منافع طبقه کارگر در برگزاری این مراسم - قبل از هر چیز دیگر - و متشکل شدن حول شعارهای عمومی طبقه کارگر است که موجودیت رودخانه ای عظیم از انسان هائی که نسبت به آرمان طبقه کارگر عشق مسوززند امکان پذیر میگردد. اما نباید این حقیقت را فراموش کرد که این کوششها و همبستگی های مضمی زمانی میتواند تکرار گردد و سه شرطی نیروها قادرند همکاری در چنین مواردی را ادامه دهند که این همکاریها در ارتباط با تالین و کوشش عمومی برای عملی کردن امر وحدت قرار گیرد. وگرنه هر گونه همکاری خارج از چارچوب پروسه وحدت بناگزیر باز هم محدود و محدودتر گردیده و چه بسا در پروسه تفرقه و تشتت کنونی نا ممکن نیز خواهد شد.

طبقه کارگر همچنین نشان داد که چگونه به اتحاد با زحمتکشان دیگر و اقشار و نیروهای دمکرات وضد امپریالیست برای رسیدن به اهداف خویش نیاز دارد. او همچنین قابلیت خویش را بخصوص در شرایط کنونی برای گردآوری سپاه عظیم متحدین خویش بنمایش داد.

★ درسهای اول ماه مه ★

گذاشت، او چه بلحاظ طرح شعارهای آزادی خواهانه و استقلال طلبانه و چه به لحاظ گردآوری صدها هزار نفر از توده ها و نیروهای دمکرات و مترقی حول شعارهای خود موفق بود ولی این بهیچ وجه تصادفی نیست زیرا که تاریخ مینماید بر فراز نوسترا زحیات خود رسیده که در آن نام پرولتاریا بعنوان طلایه دار جنبش انقلابی مینماید مثبت گردیده است و پس از این زحمتکشان و کلیه اقشار مترقی و انقلابی خلق تنها و تنها از طریق شکل حول خواسته ها و شعارهای پیگیرانه پرولتاریا مینوانند به خواستهای خود برسند اگر این حقیقت امروز برای بسیاری از توده های خلق هنوز روشن نیست و اوها م لیبرالی و خرده بورژوازی آنان را بدنبال خود میکشاند، فردا این اوها م در زندگی روزمره از بین خواهد رفت و سپاه های باز هم بزرگتری حول پرولتاریا گرد خواهند آمد و سرود رزم خواهند خواند ...



نجوم مبارزه با رویزیونیسم

۴ - همبستگی نیروهای م.ل. و کارگران و توده ها و نیروهای دمکرات و انقلابی در روز اول ماه مه و شرکت تک پارچه آنان در تظاهرات خانه کارگر نشان داد که چگونه با وحدت عمل بر اساس شعارهای طبقه کارگر میتوان رویزیونیستها و عاملین مسکو را منزوی ساخت. در این روز همه شاهد بودند که در مقابل صدها هزار نفری که در تظاهرات خانه کارگر گرد آمدند، حزب توده با تمام فریبکاریها و تلاشها - پیش توانست حتی یک دم این نیرو را بسنج کند.

اما این همبستگی در مقابل رویزیونیستها تنها زمانی میتواند ادامه داشته باشد که کلیه نیروهای م.ل. انقلابی مبارزه مستمر خود را بر علیه رویزیونیستها و شعارها و اهداف آنها شدت بخشند، تنها در این صورت است که مستوان نیروهای مترزلزل وسبنا - بینتی را از رویزیونیستها جدا ساخت و آنها را به سنگر پرولتاریا و متحدین وی کشاند. چگونه عمل حزب توده در این روز نشان داد که تا چه حد مبارزه بر علیه وی حیاتی است:

درواقع روز اول ماه سنندگیری بر دفتر رسوا - شیهای رویزیونیستها و بخصوص حزب توده افزوده شد حزب توده در این روز کوشش کرد تا بر اساس سیاست تسلیم طلبانه و حیانتکارانه خود بر آستان بورژوازی و انحصار طلبان سیاسی جبهه سائی کند و " نظر لطف " آنها را نسبت بخود جلب سازد!

آنها که تا پریروز از " جبهه واحد ضدیکتا توری بر علیه شاه با شرکت جناحهای دوران دین رژیم حاکم صحبت میکردند و تا دیروز از " جمهوری دمکراتیک ملی " سخن میگفتند، امروز یکباره با بی شرمی تمام بر پوستهای اول ماه مه خود نوشتند " زنده باد جمهوری اسلامی ! " و ... اما تنها به این نیز اکتفا نکردند، آنها تلاش کردند با شعارهای مذهبی چالوس

ما بانه و با شعارهای نازل سیاسی از میدان سبزه حرکت کرده و در میدان موزیه به تجمع " حزب جمهوری اسلامی " به پیوندند. ولی غافل از اینکه اربابی که او در صدد است بدنبالش رود حاضر به پذیرش نیست! و به این ترتیب بود که در نیمه راه جلوی حرکت توده های را که " حزب توده " فریبکارانه بدنبال خود میکشید از جانب مدعیان عدالت اسلامی گرفته شد.

تلاش انحصار طلبان

۵ - در روز اول ماه مه انحصار طلبان سیاسی و تنگ نظران که نمیتوانند آرمانهای والی طبقه کارگر را درک کنند، آنها که طی این مدت بعد از قسام تا حدود زیادی با اعمال و کردار خود افشا شده اند، و نشان داده اند که به منافع محدود خود در انقلاب دست یافته اند و دیگر حاضر نیستند نه فقط بطور جدی در راه خواستهای برحق توده ها قدم بردارند، بلکه به ترمز انقلاب بیدل شده اند صحنه دیگری از انحصار طلبی و تنگ نظری خویش را به نمایش گذارند. آنها با شعارهای نظیر " اسلام پیروز است - کمونیسم نابود است " و ... سعی کردند توده های نا آگاهی را که بدنبال توهمات لیبرالی آنها راه افتاده اند بسنج کرده و بنام اجرای مراسم روز کارگر، ضربات خود را به طبقه کارگر وارد سازند. آنها بجای تاکید بر روی خواستهای

هدا مهربالیستی نظیر خودداری از پرداخت قرضه های ایران به امپریالیستها، معادنه اموال سرمایه داران فراری و صدها اقدام بزرگ و کوچک جدی دیگر ... دادشان را از حق طلبی کارگران و نیروهای مارکسیست - لنینیست و کلیه دمکراتهای انقلابی به هوا بلند کردند و اتهامات ناروای خود را بر آنها وارد ساختند.

آنها با شعارهای تحریک آمیز بصوف کارگران و هواداران وی در تظاهرات خانه کارگر حمله آور - دند و مانع از راه پیمائی آنها در مسیر دلخواه شدند ...

اما کارگران پیشرو و نیروهای م.ل. و کلیه دمکراتها که در این راه پیمائی گرد آمده بودند با متانت و صبر و حوصله انقلابی تنها یک حرف به توده های نا آگاه و تحریک شده بوسیله انحصار طلبان سیاسی زدند و آن " اتحاد، اتحاد، زحمت کشان اتحاد " بود. و بدین ترتیب شایستگی و اخلاق دمکراتیک و آزاد منشا نه خود را نشان دادند. اما انحصار طلبان سیاسی تنها به این موارد اکتفا نکردند، آنها سعی در ماست مالی کردن اختلافات طبقاتی بین کارگران و سرمایه داران بودند. آنها نتوانستند خشم و کینه خود را نسبت به شکل و عمل مستقلانه طبقه کارگر ابراز ندارند، آنها همینطور به تحقیر سندیکای کارگری پرداختند و خواستهای شورا هائی از پیوند سرمایه داران و کارگران شدند! " حزب جمهوری اسلامی " تقاضای عوض شدن روز کارگر را کرد! و بدین ترتیب آنها در عین قدرت، در عین اینکه مواضع کلیدی و مقدرات خلق ما را بدست دارند، نتوانستند وحشت وهراس خود را از پرولتاریا از همبستگی او با پرولتاریای جهانی پنهان سازند!

* * *

اینجا بود شمای از نتایج و درسهای روز اول ماه مه!

احتمال و امید، زحمتکشان اتحاد!

مردی که چاق است و کت و شلوار تر و تمیزی پوشیده است
 کراوات پت و پهنی زده است ، با کارگری بحث میکند ، می-
 گوید: " اینها پرچم شوروی و چین بالا برده اند...
 کارگری میگوید: " کجا ست ؟ اینها که پرچم نیستند...
 مردک ، شانه هایش را با لایماندا زد: " بهرحال ، کمونیستند"
 و یکبار دیگر .. در کشاکش این آشفتگی بی سبب ، در این
 حمله های کور ، و هوچیگریهای بی دلیل، شاهدیه هرز رفتن
 بخشی از نیروی خلقمان هستیم ، هر حرکت آزادخواهانه و
 حق طلبانه ، در زیر پرانم کمونیست ، کوبیده میشود . امیر -
 یالیمس و ارتجاع ، از فقر فرهنگی خلقمان که دستاورد
 سالها فاشیسم و خفقان و سرکوب محمدرضا شاه در کشور ما
 است ، بهره برداری میکنند تا با ردیگر خون خلقمان را به
 مکتد ، تا از حرکت حق طلبانه خلع جلوگیری کنند .. و بدینگونه
 از منافع کثیف خود محافظت نمایند .. یک شعار بزرگ بر سر
 فرا سر کارگران برافراشته است . چکش کارگر بر فرق ستم
 میگوید: یکسوب ! یکسوب !
 صف عظیم انسانی ، آگاهان نه از درگیری خودداری میکنند ،
 کارگران و مردم آگاه بخوبی میدانند که تنها امپریا -
 لیسم و ارتجاع ، از اینگونه برخوردها سود میجویند . بیس
 جمعیت نمی بینند ، قطعنامه کارگران در اولین عیدخوینیس
 طبقه کارگر ، پس از سرنگونی ارتجاع محمدرضا شاه ، خوانده
 میشود . خواسته های بحق کارگران رزمنده اعلام میگردد .
 خواسته های که جمعیت در هر گام خویش در هر شعرا روخیش و با
 هرفتن خویش ، امروز ، در این روز گرامی ، آنرا فریاد زد .
 قطعنامه بشرح زیر است :

مگر سرمایه دار خوبست ؟
 نه . کی گفته ، حق ما را فیکورده ، درست است ، اما ... اینها
 میگویند .. کارگر با پدر هر با به .. مگر کارگر میتونه رهبر
 ، نه ؟ .. کارگر که سواد ندارد ، .. نمیتونه یک خانواده پنج
 نفری را اداره کنه .. اونوقت رهبر باشه ؟ .. !!
 یک جوان خندان داد میزند " برویم ، جلوی این کمونیستها
 را بگیریم " (با ران فتن و ناسزا) .
 - از کجا فهمیدی که کمونیستند ؟
 - آخه ، علائم دارند .
 - علامتشان چیست ؟
 - همه شان سباهند .. از جنوب آمده اند . !!
 بکنفر با لجه ، شیرین آذربایجانی فریاد میزند: " برویم
 کارگرها را از جنگشان درسیا وریم ، بزورنگاهان داشته
 اند !!"
 دو کارگر در گوشه ای ایستاده اند و تماشا میکنند :
 - برادر اینها چه میگویند؟ کی هستند؟
 - روز کارگر است ، شمار کارگری میدهند .
 - میگویند کمونیستند ؟
 - از خارج که نبه آمده اند .. مال همین مملکت هستند .. حرف
 بدی هم نمی زنند ..
 بکنفر که ظاهرا کاسب بنظر میرسد ، سخت پیچ و تساب
 میخورد و بشدت برضد صف تبلیغ میکند ، میگوید :
 - اینها میگویند ، ایران را سراسر سندانج میکنند .. نقده
 میکنیم ...
 بکنفر که رد میشود ، میگوید: بریدر دوغوگو لعنت ..

بهدادت ، مسکن ، سوادآموزی ، حق مسلم و انقلابی کارگر
 است .
 * قانون کار قبلی باید لغو شود و قانون جدیدی با نظارت
 نمایندگان واقعی کارگران تدوین گردد .
 * ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران .
 * ما خواهان مجازات عادلانه کشتار کارگران اصفهان هستیم .
 * کارخانه های سرمایه داران خود فروخته ای که از ترس
 انتقام مردم گریخته اند ، توسط کارگران اداره شود .
 و صف کارگران کارخانه ها اعلام میکنند :
 * مبارزات کارگران بیگانه را مبارزات کارگران شاغل جدا
 نیست .
 شیرزنان کارگر هم در صف حرکت میکنند :
 * حق تساوی دستمزد برای کارگران زن و مرد ، در برابر برکار
 مساوی .
 چهره های کارگران از هیجان سدر خشد ، با زمزم می -
 کوبند و دست میزنند ، کارگران کارخانه های گوناگون (شوای
 کارگران خارک ، گروهیائی از کارگران لوله سازی ، قالی
 باف ، صنعت چاپ ، تکنوکار ، راه آهن ، زورآباد کرج ، گساران
 بوتان ، زامباد ، صنعت نفت ، شرکت پارک پرسن ، متوساکه ،
 اسلام آباد کرج ، شرکت ایران ماکسرون دویتن ، آریا ، مقوا
 سازی ، برهان ، سندیکای کارگران نکاس تهران ، سمان ری ،
 وزنه ، کارگران بیگار ، کارگران فعلی ، شورای مؤسس -
 اتحادیه سراسری کارگران ، شورای مؤسس اتحادیه کارگران
 بیگار پروژه ای (...) هنگام و همصدا سخنوارند :
 * یک زندگی بهتر اسن است شعار کارگر
 و کارگران آذربایجانی در شعارشان میگویند :
 بیرقانان مین فانی اولاجی کارگر حقیقنا صاحب اولاجی کارگر
 (هر خون کارگر هزار خون میشود ، کارگر صاحب حق خود خواهد شد)
 یک بیلاکارد با حروف سرخ ، بیاد کارگران شهید جهان جنت
 و تما می کارگران نهید ، برافراشته شده است . یادمان
 گرامی و راهشان پایدار !

قطعنامه راهپیمایی اول ماه مه

خواهران و برادران کارگر !
 شورای هماهنگی برگزاری اول ماه مه گرمترین دروهای خود را در بهار آزادی بمناسبت روز جهانی کارگر
 به تمام کارگران و زحمتکشان تقدیم میدارد . امیدواریم این روز نقطه عطفی در جهت همبستگی و یگانگی صفوف
 کارگران و زحمتکشان ایران باشد تا دست در دست یکدیگر با مبارزات یکپارچه ، کلیه عوامل و آثار امپریالیسم ،
 ارتجاع و بهره کشی فرد از فرد را ناسود ساخته ، ایرانی آزاد ، آباد ، مستقل و بدور از هر گونه ستم و
 تبعیض بوجود آوریم .
 در هر نقطه از جهان که طبقه کارگر مورد ظلم و ستم قرار بگیرد ، در هر جایی که طبقه کارگر برای زندگی
 شرافتمندانه مبارزه میکند اول ماه مه روز اعتراض جهانی کارگران نسبت به ظلم و بهره کشی و روز جشن برای
 کارگران از بند رسته جهان میباشد .
 در دوران ظالمانه دیکتاتوری شاه جلاد و عوامل فاشدش با ساختن سندیکا های فقلایی و سازمانهای فرمایشی به
 ا. ج. کارگری سعی در تفرقه افکنی نمود و مانع تشکیل واحد و مبارزه یکپارچه طبقه کارگر ایران شد ولی این دیکتات -
 لوری خونخوار بهمت ملت مبارز و قهرمان ایران و مبارزات سرخسختانه آیت الله خمینی از میان برداشته شد .
 لذا در این لحظات تاریخی که امکان بیشتری در راه پیوند و همبستگی سراسری برای ما کارگران و زحمتکشان ایران
 فراهم است ، ضمن تاکید بر ضرورت وحدت کارگران ایران از دولت موقت انقلاب خواسته های ذیل را با قاطعیت تمام
 خواستاریم :

- ۱ - هر چه زودتر کارخانه ها ، بانکها ، موسسات بیمه ، شرکتها ، معادن ، و زمینهای سرمایه داران خارجی
 و شرکای داخلی آنها ملی گردد .
- ۲ - کلیه قراردادهای نابرابر سیاسی ، اقتصادی و نظامی اسارت بار با کشورهای امپریالیستی بخصوص قرار
 دادهای نفتی باید لغو گردد .
- ۳ - اخراج کلیه کارشناسان کشورهای امپریالیستی و جایگزینی متخصصین ایرانی را خواستاریم .
- ۴ - صنعتی کردن کشور از طریق ایجاد و توسعه صنایع مادر باشد عملی گردد .
- ۵ - ضمن محکوم کردن هر نوع تجزیه طلبی ، از حقوق ملی خلقهای ایران حمایت کرده و تضمین این حقوق
 را در قانون اساسی آینده خواستاریم .
- ۶ - زمین های مالکان و سرمایه داران بزرگ وابسته به دربار مصادره و باید به شورا های دهقانی سپرده
 شود .
- ۷ - ما ضمن پشتیبانی از مبارزات ضد امپریالیستی آیت الله خمینی و آیت الله طالقانی از طرح انقلابی
 شورا های ایالتی و ولایتی حمایت کرده ، خواستار شرکت فعال تمام طبقات و اقشار در این شوراها میباشیم .
- ۸ - طبقه کارگر در انقلاب نقش اساسی و تعیین کننده داشته است لذا مجلس موسسان از نمایندگان کلیه
 طبقات و اقشار بخصوص طبقه کارگر باید تشکیل شود .
- ۹ - قانون اساسی جدید باید مدافع منافع زحمتکشان باشد .
- ۱۰ - قوانین کار ضد کارگری فعلی لغو گردد و قانون کار جدید با شرکت نمایندگان واقعی کارگران شامل
 موارد ذیل باید تهیه شود :

الف - حق کار مطابق تخصص و تامین معاش زندگی در دوران بیکاری با ایجاد صندوق بیمه بیکاری .
 ب - قانونی بودن حق اعتصاب و اجتماعات کارگری و عدم دخالت نیروهای نظامی و پلیسی در امور کارگری .
 ج - ۴۰ ساعت کار در هفته .
 د - تعیین حداقل حقوق برابر با مخارج زندگی و افزایش آن متناسب با ازدیاد سرام آور قیمتها .
 ه - تامین مسکن ، بیمه ، بهداشت رایگان و ممنوعیت در مقابل خطرات و بیماریهای ناشی از کار .
 و - حقوق مساوی در برابر کار مساوی برای زنان و مردان .
 ز - برابری مرخصی سالانه کارگران با کارمندان .
 ح - تعیین باز نشستگی متناسب با سختی کار و حقوق بازنشستگی با افزایش قیمتها .
 ط - اخراج کلیه نیروهای نظامی از محیطهای کارگری .
 ی - برسمیت شناختن سندیکاها ، شوراها و اتحادیه های واقعی کارگری و انحلال رسمی سندیکا های طاغوتی .
 ل - اداره سالنها و تاسیسات کارگری بدست خود کارگران .
 ما همبستگی خود را با تمام کارگران و زحمتکشان جهان اعلام میکنیم .

صف به بیس میرود . پشت سر کارگران ، اقشار دیگر مردم ،
 یاران طبقه کارگر ، پشتیبانی از آنها حرکت میکنند . در
 پیاده روها ، جمعیت با تحسین به تماشا ای این موج عظیم
 انسانی که بالا و پایین میرود ، میجوید ، زندگی بهتر ا
 مستطیبد ، و سیمای انسانی زندگی را روشن میکند ، ایستاده اند ،
 خیابان برارزوشانی است ، بلندگو میخورد :
 * شکوفان با دروزجهانی کارگران .
 فریادهای کارگران ، دانشجویان ، دانش آموزان ،
 معلمان ، کارمندان و ... برصحن روشن خیابان مستنقد :
 * کارگر زحمتکش ، علیه هر نوع سازش ، فریاد خود را برکش .
 * امپریالیسم خونخوار ، این دشمن ستمکار را ، نابود بیا
 گردد .
 و بلندگو فریاد میزند : آمریکا دشمن اصلی ما ست .
 اما جماعتی که با دشمن خوئی ناشی از نا آگاهی هم مقابل
 این توده عظیم انسانی ، صف آرا می کرده اند تا فریادهای
 وحدت طلبانه آنها را بشکنند ، این حمیقت مسلم را که با
 فریاد رسا بیان نموده ، نمانده میگیرند . با شعار " منافق
 ناسود است .. " به صف هجوم میآورند . نمایش دردناکی سبیا
 میشود . در میان این توده بیچهره هوجی که خود بدترستی
 نمیدانند چرا میخورند ، زحمتکشان سرزمین مان نیز هستند ،
 که در مقابل برادران خود ، صف میکشد ، کارگری میاید و ما
 داد و فریاد ، رفیقش را از صف بیرون میکشد ، دو کارگر در
 مقابل هم میایستند ، کارگر آگاه میکوشد رفیقش را قانع
 کند که اشتباه میکند ، اما این کارآمانی نیست . چرا که فضا
 بشدت با شایعات سرتاپا دروغ آلوده شده است . و محرکین
 با پراکنده کردن شایعات سرتاپا دروغ ، نیرو بر علیه این صف
 عظیم انسانی جمع میکنند ، مضحکهای دردناک ، سحتیا
 و گفتگوها ، سخت تفکر انگیز است ، بسوی مشتهای گره کرده
 چهره های درهم رفته ، فحشهای رکیک ، فریادهای ضد گمو -
 نیست) ، سوتهای بلنلی ، و خنده های تفریح کنندگان
 برویم :
 - برادر ، اینها چه میگویند ؟ مگر چه میگویند ؟
 - هیچی با با ، کمونیستند ، خرابکارند ،
 - مگر چه میگویند ؟
 - میگویند ، اتحاد ، اتحاد ،
 - مگر بد است ؟
 - نمیدانم ، میگویند بد است .

درو بر کارگران شهید !
 درود بر همه شهدای راه آزادی !

«حق و آگاهانه خلق»

ادامه از صفحه اول
خواهان تحقق حقوق ملی خود هستند . کارگران خواهان رفع بیکاری و ... می باشند . قطب بندیهای طبقاتی بصورت بارزی ظاهر شده و اقشار و طبقات مختلف هر یک در جهت تحقق خواستههای طبقاتی خود می کوشند .

مسئله عمومی و مشترک یعنی نابودی کامل امپریالیسم و بقایای ارتجاع داخلی که تنها با عمل متحدانه و دوش بدوش خلقها در تمامی عرصه های حیات اجتماعی ممکن است و از جانب سازشکاران و ائتلاف بینایی انقلاب بدست فراموشی سپرده میشود . بورژوازی لیبرال که اکنون بر زمینه ضعف نیروهای انقلابی بر مسند قدرت خنیده است ، آگاهانه انقلاب را پایان یافته تلقی میکند . او تلاشهای بحق خلقها را برای تحقق خواستههایشان اقدامی ضد انقلابی ، ناجبب و زودرس تلقی نموده ، به سرکوب آنها ویا دعوتشان به صبر و انتظار می پردازد .

ارتجاع این شرایط را بسیار مناسب میبیند و حتی در لباس دوستدار انقلاب چهره کنیفش را پنهان ساخته ، خود را در صفوف خلق جا میزند . آنها به تلاش و تکاپوی دیوانه وار برای جدایی ، برکناره سازی و تششت صفوف خلقها افتاده اند تا از آبل آلود ماهی بگیرند .

بدین ترتیب لحظات حساس و بسیار مهمی در تاریخ حیات خلقهای ما فرا رسیده است ، تحقق خواستهها و آرمانهای انقلابی خلقها بدون تأمین پیروزی نهایی برای امپریالیسم و ارتجاع زخم خورده و خیالی واهی بیش نیست و برای اینکسار حفظ و تداوم صفوف فشرده و بهم پیوسته خلقها و بکار انداختن قدرت و انرژی انقلابی آنها در این جهت ضروری و حیاتی می باشد . برخورد اصولی و هشیارانه به مسائل و حل درست و انقلابی آنها در جهت حفظ یکپارچگی و اتحاد عمل خلقها اهمیتی مبرم و تعیین کننده پیدا نموده است . هرگونه اشتباه و سهل انگاری در این مورد حتی به اندازه سزوش هم باشد ، آب به آسیاب امپریالیسم ریخته و ولطمت جبران ناپذیری به رشد و تکامل انقلاب وارد میسازد . در این میان یکی از آن مسائلی که با آن می باید آگاهانه و مسئولانه برخورد نمود ، موضوع ملیت ها است و شرط ضروری و مقدم در این مورد پاسخ درست و اصولی به خواستههای ملی خلقهای ایران می باشد .

حال ببنیم چگونه میتوان مسئله ملی را بطرز اصولی و انقلابی یعنی بطریقی که در جهت منافع اصیل خلقهای ایران و حفظ تداوم انقلاب تا نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم باشد ، حل نمود .

حق ملل در تعیین سرنوشت خویش

همه میدانیم که رژیم پهلوی در طول سالهای گذشته همیشه و در همه حال خلقها را بزور تفنگ و سرنیزه به اطاعت اجباری از دولت مرکزی واداشته بود و در طول این مدت هیچگونه حقی برای اظهار نظر ، دخالت و تصمیم گیری در مورد مسائل حیاتی برای خلقها قائل نبود . واضح است که اولیسن اقدام اصولی و انقلابی در این مورد این خواهد بود که با این اسارت و بندگی طولانی پایان دهیم و آزادی و برابری کامل ملل را نسبت به یکدیگر تأمین کنیم . تعیین نهائیم ، به توده ها امکان دهیم ، آزادانه و با اختیار کامل به تصمیم گیری در تعیین سرنوشت خود پرداخته ، حاکم بر امور و سرنوشت خود گردند . آنها در این صورت واقعا قادر خواهند بود خود را از یوغ اسارت تحقیر و ستم ۵۰ ساله رهائی داده ، خلافت و ابتکار انقلابی خود را رشد و ارتقاء دهند .

دران حکومت رژیم پهلوی ما لامل از تعدیات بیشمار و بی وقفه نسبت به منافع و غرور ملی خلقهای ایران است . سوشیسم فارسی همیشه و در همه حال حسن تحقیر و سرکوبی احساسات و شور ملی خلقها را دنبال کرده ، توهین های بی شماری در این مورد مرتکب شده است .

خلقهای ایران همواره با منتسب شدن به صفاتی توهین آمیز تحقیر شده اند . رژیم همیشه سعی میکرد با کوچک ساختن و پست و نادان نمودن خلقها ، بجزئی و عظمت ملی « فارسیها » را نشان دهد و توده های مردم را با این رویحه تربیت کند . در این مورد کارنیست بیاد آوریم که چگونگی خلق ترک بواسطه « زین ملی » خود همیشه بیاد تمسخر گرفته میشد . کرد ها بواسطه « سنی بودن » تحت شدید ترین اهانتها قرار داشته اند . ما در نظر گرفتن تمامی تعدیات تحقیر و توهین هایی که سالها بر اقلیت های ملی رفته است ، تأمین و تضمین حق آنها در تعیین سرنوشت خویش تنها وسیله ایست که منافع خلقها را منعکس میکند ، حسن

اعتماد آنها را جلب میکند و شکوفه های ناسیونالیسم تنگ نظرانه و تجزیه طلبانه را که عکس العملی در مقابل شوخی چندین ساله رژیم میباشد ، پرمیسا زد و سرانجام صفوف خلقهای ایران را در جهت دستیابی به ایران آزاد و دموکراتیک و نابودی کامل سلطه امپریالیسم ، متحد ، مستحکم و پولادین میسازد .

خود مختاری ، نه جدایی

بررسی مجموعه شرایط اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی و تاریخی که ملت مفروض را احاطه میکند ، یگانه کلید حل این مسئله است که چگونه این یا آن ملیت خاص باید زندگی خود را ترتیب دهد و شکل های مخصوص تشکیلات آینده خود را معین کند . این امر میسر نخواهد بود ، مگر اینکه به بررسی جنبش های ملی و مشخص نمودن خصوصیات معینی که در یک دوره معین تاریخی این ملتها را از سایر خلقها متمایز میسازد ، دست بزنیم .

در یک نگاه به وضع اقتصادی و سیاسی و ... اقلیت های ملی بوضوح میبینیم که مناطقی که این ملیت ها در آن زندگی میکنند در عقب ماندگی فاحشی نسبت به سایر نقاط کشورمان قرار دارند . این همه نتیجه سیاست غارتگرانه و ارتجاعی امپریالیسم رژیم سرسپرده شاه میباشد . وقتی بعد از سال های ۲۴ که رژیم امپریالیستی ، (انقلاب سفید) صورت گرفت ، ما شاهد رشد و یابگری مناسبات سرمایه داری و بهر آن رشد دست و پا شکسته صنایع مونتاژ و گسترش راههای ارتباطی هستیم ، ولی در مناطقی که اقلیت های ملی ساکن هستند ، حتی همین رژیم ارضی و رشد سرمایه داری وابسته نیز انکسار ناچیزی یافته و حتی در بعضی مناطق هنوز هم مناسبات پوسیده نفوذالی کما بیش - مثلا در کردستان - با برجاست و حتی روابط عشیره ای و ایلات نیز دیده میشود . از این رو نیز تعداد کارخانجات در این نقاط نسبت به دیگر نقاط کشور بسیار اندک و ترقی بازرگانی و راههای ارتباطی و بدنیال آن امکانات رفاهی و آموزشی از قبیل بیمارستانها و آموزشگاه ها بسیار محدود می باشد . اضافه بر تمام اینها اقلیت های ملی از لحاظ فرهنگی نیز تحت فشار و ستم قرار داشته اند . سربو شدن لباس محلی در محیط های رسمی و آموزش بزرگان در این مناطق محسوس میشود ، بلکه حتی جرم سیاسی نیز محسوب میشود . است . نمایان خصوصاً ژاندارما که از عناصر فیر بومی انتخاب میشدند ، همواره و بطور زور به سرکوب هرچه ظالمانه و ترو هرچه فاشیستی تر خلقها پرداخته اند .

موه این عوامل و شرایط نشان میدهد که اقلیت های ملی در این جدائی نسبی و عقب ماندگی اقتصادی و فقر عظیم آگاهی سیاسی نسبت به ملت فارسی سر میبرند و برای حل و رفع این مشکلات و ناراحتیهای بیایستی با توان و شور انقلابی به کار عظیم بازسازی اقتصادی این مناطق مشغول شده ، آن را به صورت یک واحد اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی زنده و یکواخت مبدل ساخت . برای اینکار تشکیلاتی لازم است که اتحاد و همبستگی ملی را که اهالی آن بزبان واحدی صحبت میکنند ، عملی سازد ، بخصوص اینکه وحدت زبان و تکامل بلا مانع آن و تحکیم آن در ادبیات مهمترین شرط در رشد مناسبات سرمایه داری و شکلگیری توده های مردم بصورت یک ملت کامل میباشد . حال اینکه این اتحاد چه شکلی بخود بگیرد ، بصورت یک واحد مستقل و جدا از سایر مناطق و بصورت خود مختار در چهارچوب ایران آزاد و دموکراتیک در آید ، باید که به بررسی تاریخی مشخص موضوع برداریم .

علاوه بر تمام نتیجه گیریهای جهانی ، مراجعه به تجربه جنبش های ملی در سالهای ۲۵ - ۱۳۲۰ در آن راینجا یکس و کردستان در تأیید کامل این مطلب است که تحقق خواستههای ملی تنها بر زمینه نابودی کامل سلطه و نفوذ امپریالیسم ممکن میباشد و فقط و فقط بدین نحو است که خلقها امکان می یابند خود را از چهارچوب تنگ ناسیونالیسم که از طرف بورژوازی و خرد بورژوازی و حتی فئودالها تبلیغ میشود ، خلاص دهند . چه در غیر این صورت مبارزات فداکارانه و دلاورانه خلقهای ایران در خدمت منافع تجزیه طلبانه و استثمارگرانه فئودالها و ارتجاع زخم خورده قرار گرفته ، حربه های آنان را در متوقف ساختن انقلاب کاری ترمی سازد . خلق های ایران به ایران آزاد و دموکراتیک و با ستاد رهبری کننده ، به سرکردگی طبقه کارگر نیاز مبرم و حیاتی دارند . خلقهای ایران به ستاد واحد و مرکزیت قدرتمندی احتیاج دارند که با تحکیم اتحاد و همبستگی خلقها بتواند لشکر عظیم آنها را در جهت نابودی کامل حاکمیت امپریالیسم ، برانداختن قطعی بقایای مناسبات کهن فئودالی ، و عشیره ای و تصفیه کامل و انقلابی دستگاہهای دولتی از عناصر خود فروخته ، فاسد و ارتجاعی و ساختن ایرانی آزاد و مستقل هدایت کند . جدائی کامل به هیچوجه به نفع خلقهای ایران نبوده ، هیچگونه کفکی به تحقق خواستههای ملی ، به بهبودی شرایط زندگی و پایان دادن به ظلم و ستمگری نمی کند .

«بورژوازی لیبرال چه میکند؟»

منافع ملیتهای مختلف ایران نه در جدائی کامل و نه در اطاعت اجباری از مرکزیت که عمدتاً در دست فارسیها قرار دارد ، بلکه در چهارچوب یک خود مختاری در محدوده ایران واحد و دموکراتیک عملی است و فقط و فقط ایسن اتحاد است که منافع واقعی خلقها را منعکس میکند . خود مختاری آن شکل مناسبی است که خلقهای ایران در محدوده آن میتوانند خود را به صورت ملت کامل و مستقلی تکامل دهند ، سطح آگاهی و فرهنگ خود را بالا برده و با شناخت و بررسی مشکلات خود ، مصمم و پرتوان در راه آبادی و آزادی و ... گام بردارند .

رابطه خود مختاری با مسئله ارضی

کار عظیم آباد سازی و جبران عقب ماندگی های دهشتناک و بالا بردن سطح فرهنگ ملی و ... بدون شرکت وسیع و همه جانبه و فعال توده های مردم (مناطق مسکونی ، مناطق روستایی) و تحکیم اتحاد و همبستگی سراسری خلقهای ایران امکان پذیر نخواهد بود . به علت بافت روستایی و عقب مانده اکثریت جمعیت این مناطق را توده های دهقانی تشکیل میدهند . جلب وسیع دهقانان در این رابطه اهمیتی بسزا و حتی تعیین کننده در انجام وظایف انقلابی دارد و همواره می دایم که مشکل ساختن و جلب دهقانان بدون حل مسئله ارضی ، دادن زمین به آنها و لاجرم ریشه کن ساختن مناسبات فئودالی ممکن نیست . به همین جهت واضح است که در شرایط مشخص کشور ما مسئله ملی در رابطه جدائی ناپذیر و دوش بدوش با مسئله ارضی قرار دارد . حل قضای اصلی این مسئله باین بستگی دارد که ما تا چه اندازه به حل مسئله ارضی و مصادره اراضی بزرگ و واگذاری آنها به شوراهای دهقانی بها و هم راه حل خود را وسیعاً بین دهقانها برده ، با بسیج و تشکل و آموزش سیاسی آنها از یکطرف و جلب اعتماد و همبستگی تمامی خلقهای ایران به پشتیبانی از این موضوع از طرف دیگر ، زمین های ارضی را برفع دهقانان تصرف کنیم . این اقدام انقلابی سبب رهائی توده های دهقانی از زیر بار ستم و استثمار شدید فئودالها و زمین داران بزرگ میگردد و توان انقلابی خلقها را در بنای ایران آزاد و دموکراتیک تا حد زیادی آزاد میسازد . این روش سبب طرد و افشای مرتجعین ، فئودالها و عمال رژیم از صفوف خلق شده ، برده از چهره زشت و کیف آنها میدرد . فئودالها و عناصر ارتجاعی اکنون پشت شعار خود مختاری سنگر گرفته اند و از این شعار در جهت تحقق امیال و هدفهای تجزیه طلبانه و ارتجاعی خود مبنی بر حفظ مناسبات فئودالی ، فریب توده های ناآگاه مردم و گرفتن امتیاز از دولت سوء استفاده میکنند و زمینه را برای بروز لیبرالها و انحصار طلبان بساز میکنند تا شعار راستین « خود مختاری ملیتها » را لوٹ کنند . آنها بشیرمانه هیچ حرفی از تشکل توده ها ، دادن زمین به دهقانان و بهبودی وضع زندگی نمی زنند و سعی میکنند توده های مردم را با ایده های ناسیونالیستی ، فاسد ساخته و وحدت و همبستگی نیروهای انقلابی خلق را خدشه دار کنند . وقتی ما شعار خود مختاری همراه با دادن زمین به دهقانان را مطرح میکنیم و بین توده های مردم میبریم ، در حقیقت به رشد ابتکار و خلافت انقلابی توده ها کمک میکنیم ، آنها را در صفوف مستقل خلقی متشکل میکنیم و به آنها امکان می دهیم تا مشت آهنین خود را بر فرق مرتجعین و فئودالها بکوبند و بین فئودالها و عناصر ارتجاعی از یک سو و نیروهای خلقی از سوی دیگر ، خط کشی مشخص و واضحی ایجاد میکنیم .

بطور خلاصه ، منافع تمامی خلقهای ایران ایجاب میکند که :
۱ - حق ملل را در تعیین سرنوشت خویش بررسی کنیم ، شناخته و تأمین و تضمین کنیم و خلقهای ایران را به پشتیبانی جدی و دایمی از این شعار دعوت و ترغیب نماییم .
۲ - « خود مختاری همراه با زمین به دهقانان » را با وسعت و انرژی هرچه تمامتر به میان خلقها ببریم و لشکر عظیمی از تمامی خلقهای ایران برای نابودی مناسبات کهن فئودالی و تحقق پیروزی نهائی برای امپریالیسم فراهم کنیم . این است راه حل انقلابی و اصولی در جهت حل مسائل ملیتها که در تطابق کامل با منافع آنها و ماهیت و محتوای انقلاب دموکراتیک خلق میباشد . این است روه ای که کمک شایان توجهی به نابودی ارتجاع داخلی میدهد و عناصر ارتجاعی ، فئودالها و عمال رژیم را از صفوف خلق طرد میکند . این است روه ای که برابری و برادری کامل ملیتها را به ارمان می آورد و بجای برادری و تفرقه در صفوف خلق ، زندگی توأم با صلح و صفای آنها را در کنار یکدیگر و کوشش در جهت رفع عقب ماندگی های ناشی از غارت و چپاول امپریالیسم و رژیم سابق را عملی ساخته و تأمین و تضمین می نماید .

تقریباً سه سال از تبدیل جهان به یک کشتارگاه خونین توسط فارتگران بورژوازی کشورهای متخاصم میگذرد، تقریباً سه سال است که کارگران همه کشورها، آنهایی که دیروز برادر بودند اکنون ملیس به یونیفرم سرباز هم چون دشمنان هم با یک دیگر مقابله کرده و برای شادمانی دشمنان پروولناریا به کشتار یکدیگر می پردازند .

قتل عام نیروی انسانی ملتها ، ویران سازی شهرها و دهات ، تبدیل گرسنگی به وحشی گری، همگی در خدمت چند تاج دار و بی تاج برای غارت و جابول اراضی بیگانه و نابودی بی حد میلیونها نفر ، این است نتیجه جنگ .

جهان در جنگال جنگ شروع به خفه شدن کرده است . مردم اروپا بیش از این تحمل نخواهند کرد و هم اکنون علیه بورژوازی جنگ طلب بپاخاسته اند .

انقلاب روسیه اولین نیروی رخنه گر در دیواری است که کارگران را از هم جدا کرده است . کارگران روسیه

اینبار در میان آشفتهگی عمومی " میهن پرستی " اولین کارگرانی هستند که شعار فراموش شده " کارگران سراسر جهان متحد شوید " را ندا میدهند .

در میان غرش انقلاب روسیه کارگران باخترنیس از خواب بیدار میشوند . اعتصابات و تظاهرات در آلمان تظاهرات در اتریش و بلغارستان ، اعتصابات و اجتماعات در کشورهای بی طرف ، از شب روز افزون در بریتانیا و فرانسه ، برادری توده ای در جبهه های جنگ ، اینها هستند اولین ندهای انقلاب سوسیالیستی که در حال جوشش است .

و این روزی را که ما جشن میگیریم ، این اول مه آبا نشانه آن نیست که در میان جاری شدن خونها پیمانهای جدید برادری در میان مردم بسته میشود ؟

بخاطر در اهتزاز در آمدن مجدد پرچم سرخ بین المللی در آسمان اروپا ، خاک در زیر پایهای راهزنان سرمایه دار ملتهاست .

پس بگذار در این اول مه هنگامیکه صدها هزار کارگر پتروگراد دست برادری بسوی کارگران جهان میدهند تولد جدی ترین پیمان الملل انقلابی باشد !

استقرار تدریجی بورژوازی لیبرال و حتی وابسته در سیستم قدرت ، دامنه رادیکالیزم رهبری را که جنبه ای از دوگانگی آن است ، پائین آورده و آنرا روزبروز به مواضع بورژوازی لیبرال در بر خورده به امپریالیسم و . . . وقتی این امر را در کنار جنبه ای دیگر از آن دوگانگی یعنی خصلت ضد کمونیستی آن مورد توجه قرار دهیم ، پی به اهمیت خطری که جنبش ما را تهدید می کند ، خواهیم برد . در واقع جریانهای ارتجاعی بی تابلسیدن بجای آنها در روز مواضع خورده بورژوازی انقلابی را از درون تسخیر کرده با تقویت خصلتهای ضد کمونیستی از یکطرف و تضعیف مواضع رادیکالی و دمکراتیک آن از طرف دیگر ، رهبری را تا حد در غلطیدن به دامان

بگذار شعار " کارگران سراسر جهان متحد شوید ! " که امروز در میادین پتروگراد دوباره بصدا در میآید ، در سراسر جهان طنین افکند و کارگران همه کشورها در جنگ برای سوسیالیسم متحد شوند !

بر فراز سر راهزنان سرمایه دار ، بر بالای سر حکومت های غارتگرشان ، مادست خود را بدست کارگران سراسر جهان داده و فریاد میزنیم :

درد بر اول مه
درد بر برادری ملت ها
درد بر انقلاب سوسیالیستی

(لنین)
بروآدا شماره ۳۵
۱۸ آوریل (اول مه) ۱۹۱۷
(کلیات آثار - جلد سوم)

مزدور و بطور مستمر در تدارک توطئه چینی و بندوستهای ضد خلقی است ، تأسف بار و فاجعه آمیز است .

چنانکه گفتیم ، موضع محافظه کارانه و در عین حال انحصار طلبانه رهبری از جمله عوامل دیگری است که زمینه مساعدی جهت اشاعه تبلیغات و تحریکات ضد کمونیستی را فراهم نموده است . این موضع که طی دوران پر تلاطم انقلاب برای فراهم نمودن اطمینان خاطر امپریالیسم از اینکه " خطر کمونیسم " وجود ندارد ، و بنابراین امریکا نباید از شاه پشتیبانی کند ، با سرسختی دنبال میشد (که البته در موضع گیری امریکا نسبت به ایران کاملاً تأثیر داشت) بعد از سقوط شاه نه تنها ادامه یافت ، بلکه به مراتب ابهت وسیعتری بخود گرفت ، تا جاییکه هم اکنون روزی نیست که در گوشه ای از کشور شاهد تهاجم افکار گسیخته ارتجاع به نیروهای انقلابی و بیوژه کمونیست ها نباشیم . سکوت بی اعتنائی دولت در مقابل اینگونه اعمال ضد انسانی و سیاست تحریک آمیز و نروغرداز رادیکالیسم و آنچنان محیطی ایجاد کرده که عوامل ارتجاع و مزدوران امپریالیسم پراحتی با توطئه چینی ها و به بازی گرفتن احساسات مذهبی خیل ناگاهان ، آنها را برای هجوم به روزنامه ها و دفاتر انقلابیون و همچنین اجتماعات کارگری بسیج می کند . جلوه های این وضعگیر بیهای بسیا ر نادرست و فاجعه بار را در لوت کردن مبارزات زات درخشان کمونیستها ، در سر ووش گذاشتن بر مبارزات آنان و حتی به فراموشی سپردن نام شهدای قهرمانی که سالها در بدترین شرایط دیکتاتوری و خفقان (در شرایطی که انقلابیون در آتش امروز سنگ سلطنت مشروطه بر سینه میزدند و با فرنگستان دوره تخصص مبارزه با رژیم می دیدند) در راه رهایی زحمتکشان به پیشگاه خلق تقدیم نموده اند ، می بینیم . و این نمی تواند مایه تأسف و اندوه کسانی که دل در گرو آزادی و استقلال خلقها دارند ، نباشد .

وبالا خره تردیدی نیست که انحرافات و اشتباهات نسبتاً بزرگی که در گذشته و حتی حال در جنبش کمونیستی چه در سطح بین المللی و چه در کشور ما بروز نموده است ، تأثیرات آن چندان کم اهمیتی بر جامعه ما بجای گذاشته است که بنه خود خوراک تبلیغات ضد کمونیستی را برای امپریالیسم و ارتجاع فراهم نموده است . در این سالها ن بخصو ص خیانت دار و دسته رویزیونیست حزب توده و مواضع خائنانه ای که در موارد مختلف در طول چندین دهه تصویرنا مطلوبی از خود بعنوان کمونیسم و کمونیستها در ذهن توده ها بجای گذاشته ، لطمه بزرگی بر حیثیت کمونیستها وارد ساخته است . علاوه بر آن چپ رویها و انحرافاتیکه در جریان تحولات درونی سازمان مجاهدین خلق ایران بروز نمود ، هر چند در ادبایه مدد و دیکتاتورانه ریشترک صورت گرفت و جنبه ای توده ای نداشت ، لکن تأثیرات سوئی در این زمینه بر جای گذاشت و ذهن توده ها و نیروهای انقلابی مذهبی را نسبت به اندیشه و عمل کمونیستی مشوب نمود و بنه خود باعث تفرقه و افتراق نیروهای انقلابی شد . بهر حال عملکرد نادرست و انحرافی کمونیستها بهر دلیل که باشد ، می تواند زمینه های مناسبی برای تبلیغات عنان گسیخته ضد کمونیستی بوجود آورد . ولی در عین حال بسیار ساده لوحانه خواهد بود که اگر گمان بریم که اینگونه تبلیغات صرفاً " ویا حتی بطور عمده عکس العمل اشتباهات و انحرافات برخی جریانهای کمونیستی بوده است .

مذهب و تبلیغات ضد کمونیستی

لیبرالیسم و ارتجاع واپس می کشد . بدیهی است ، که این مواضع ضد کمونیستی که بصورت تضاد بین مارکسیسم و اسلام ، معرفی میشود ، ناشی از تضادی است که مواضع محافظه کارانه خرد بورژوازی و بورژوازی لیبرال از یکسو با برنامه های رادیکال و انقلابی کمونیستها از سوی دیگر موجود است . چنانچه شاهدیم آنجا که بخشی از نیروهای انقلابی جناح مذهبی نیز که برنامه و خواست های رادیکالی را مطرح می کنند ، از طرف نیروهای ارتجاعی انگ کمونیست خورده و مجبور می شوند تا از موضعی دفاعی به اعلام مجدد اصول عقیدتی خود بپردازند .

وقتی جریان غالب خورده بورژوازی با همه تنگ نظریها - یعنی که در ادبایه رولتاریا و کمونیستها ، که رادیکالترین و پیگیرترین نیروی اجتماعی در مقابل امپریالیسم و ارتجاعند در بر بشود ، وقتی جریانهای دمکرات مذهبی با جریانهای ارتجاعی که هم اکنون بسوی قدرت خزیده اند ، - مرز بندی نکند ، وقتی رهبری از شعارها و برنامه های پرولتاریا و کمونیستها - جمهوری دمکراتیک خلق - که انعکاس منافع راستین توده های زحمتکش است ، هر چه بیشتر فاصله بگیرد ، تردیدی نیست که جای خود را ، نه چندان دیر ، در کنار بورژوازی لیبرال خواهد یافت .

تروار افکار و سانسور عقاید ، حمله به دفاتر انقلابیون و دستگیری و حتی شکنجه کمونیستها و در عین حال سکوت تا بید آمیز دولت در قبال اینگونه اعمال فاشیستی ، همه و همه جلوه های بارز آشکار دشمنی تاریخی بورژوازی و ارتجاع با کمونیستهاست . این مواضع ضد دمکراتیک چنانچه با کار و کوشش مستمر و پرحوصله کمونیستها و هم چنین نیروهای دمکرات ، افشا و طرد گردد ، چه بسا که دستاوردهای انقلاب خونین و ناتمام ما را که در مقایسه با بهائی که بدان پرداخته ایم ، بسیار رنجنا چیز است . در معرض نابودی قرار دهد . ادامه این هیستری کثیف ضد کمونیسم آنهم زمانیکه هنوز امپریالیسم زخم خورده و عوامل

دهها سال است که امپریالیستها و عمالشان ، بخاطر حفظ و گسترش سلطه ی غارتگرانه خود ، کمونیسم و کمونیستها را آماج حملات خود قرار داده و به تبلیغات گسترده ای بر علیه آنها نه تنها در ایران بلکه در سراسر جهان پرداخته اند . و در این راه هر آنچه را که بتوانند بخدمت مقاصد پلید خود گرفته و می گیرند ، تا کمونیستها را که جز مواضع استعمار از فرد و نابودی کامل بساط جهانخواهانه شان و استقرار جامعه ای آزاد و خالی از هر گونه ستم و استعمار هدف دیگری را دنبال نمی کنند ، بی اعتبار سازند . هیولائی که اینان با دروغ پر از بیهای خود از کمونیستها ساخته اند با توجه به عامل مذهب در جامعه ما که بعقل مشخص تاریخی ، ریشه های عمیقی در فرهنگ و اعتقادات اکثریت توده های خلق دارد ، توانسته است به اعتبار عقب ماندگی تاریخی و فرهنگی کشورهای اسلامی نظیر کشور ما اثرات مشخصی بر جای بگذارد . تا آنجا که هم اکنون جریانهای وابسته به اقلیت متوسط مذهبی را تا حدود نسبتاً زیادی به موضع گیری علیه کمونیستها کشانده است .

امپریالیسم و ارتجاع همواره در مبارزه بر علیه کمونیسم و کمونیستها زحمتکشان دفاع از مذهب توده ها وارد شده و سعی دارد که اساسی ترین آرمانهای کمونیستها را که همانا سوسیالیسم و استقرار جامعه بی طبقه و نفی استعمار و مالکیت خصوصی است ، زیر هاله ای از تحریفات و جعلیات ببوشاند . اینان کوشیده اند کمونیستها را که خصم آشتی ناپذیر جهانخواهی و غارتگری های امپریالیسم و ارتجاع اند ، کسانی معرفی کنند که گویا دشمن عقابند و سندن مردم بوده و می خواهند به جنگ مذهب و ایمان مردم بپردازند !

آنها تمام کوشش شان صرفاً بی اعتبار ساختن و دورنگ داشتن ایده های نجات بخش کمونیسم و کمونیستها از توده های زحمتکش می شود ، تا مبادا برنامه ها و مواضع رادیکال و انقلابی کمونیستها بدون کارگران و توده ها راه یافته و بساط غارتگری هایشان را چاروب کند . متأسفانه باید گفت که موفقیتهایی نیز در این راه بدست آورده اند . لیکن بطور خاص در جامعه ما عوامل دیگری نیز بجز تحریکات و تبلیغات همیشگی امپریالیستها وجود دارد که زمینه مساعدی برایشان فراهم می نماید . مهم ترین این عوامل عبارتند از : رخنه و نفوذ ارتجاع در ارگانهای حکومتی تحت پوشش مذهب و عدم مرز بندی آشکار و عمومی نیروهای مذهبی و روحانی شرقی با این سالوسان ریاکار ، و مواضع محافظه کارانه و انحصار طلبانه رهبری ما لا خره اشتباهات و انحرافاتیکه در دوران جنبش کمونیستی بروز کرده و بخودی خود زمینه ی مناسبی برای حملات ضد کمونیستی ایجاد کرده است . روی این عوامل اندکی مکث می کنیم .

واضح است که جریانهای مذهبی یکدست نبوده و طیفی از جریانهای مختلف از رادیکالترین بخش آن گرفته تا راست ترین بخش آن که ماهیتاً بورژوا لیبرالی و یا حتی قودال - بورژوازی است ، را شامل می شود . گویا اینکه این مواضع دوگانه رهبری است که هم اکنون بر جریانهای دیگر سلطه (همزونی) دارد . ولی بطور قطع می توان گفت که همه نیروهای که مستقیم و غیر مستقیم و با ظاهرا همگی تحت این پرچم بمیدان آمده اند ، مواضعشان منطبق بر مواضع رهبری نبوده و برخی از آنها دقیقاً مواضع راست و ارتجاعی دارند . رسوخ این جریانهای ارتجاعی همواره با

بخش مرکزی کمیته مرکزی خائن ضرب توده (۲)



مستیایی از پیام سازمان بناست سالروز شهادت مجاهد شهید شریف واقفی

روز ۱۶ اردیبهشت ماه امسال چهارمین سالگرد شهادت مجاهد شهید شریف واقفی است. مسالظره این مجاهد راه حق را گرامی مبداریم. مجاهد شهید شریف واقفی قربانی یک عمل اپورتونستی و تروریستی شد. عاملین این اقدام ضدانقلابی از آنجا که درک ناصحیح و انحرافی از حل تضادهای درون خلقی داشتند اختلاف و تضاد را که بابرخوردی انقلابی و به طریق مسالمنصب آمیز قابل حل بود به آنتاگونسم کشاندند. این اقدام و این چنین روشهایی به حسی از جانب نیروهای انقلابی خلق محکوم بوده وهست اما باید توجه کرد که چه در گذشته و چه درحال حاضر استفاده تبلیغاتی از عوام فریبی درمورد اقداماتی نظیر این مورد، درست از جانب کسانی صورت گرفته و میگیرد که بهای لازم را به مبارزه با امپریالیسم نمی دهند و تلاش میکنند خلقها را از مسیر مبارزه ضد امپریالیستی و دمکراتیک خود، منحرف ساخته و آنها را به راههایی که منافع آزمندانانه شان را که در تحلیل نهائی جز در خدمت امپریالیسم و ارتجاع قرار نمیگیرند بکشانند. آنها بظاهر در مورد چنین اقداماتی مسرو صدا راه می اندازند ولی در عمل خود دقیقاسر همان راه انحرافی و اپورتونستی ای را می روند که منجر به چنین اعمالی میشود. آنها این اعمال را نه از این دیدگاه که اختلافات درون خلقی را بایستی همانطور که مارکسیست-لنینیستها و کلبه دمکرات های انقلابی (اعلم از مذهبی و غیر مذهبی) مستقدند، از طریق بحث و مبارزه سیاسی-ایدئولوژیک، حل کرد بلکه برعکس برای دامن زدن به اختلافات درون خلقی و مرامی و مسلکی برای منحرف کردن ذهن توده ها از دشمنان اصلی خود (امپریالیسم و ارتجاع) استفاده میکنند و تشبیه و انحرافی را که خود بظاهر آنرا محکوم میکنند، آگاهانه و از روی غرض یا نا آگاهانه تکرار می نمایند...

دیدگی کلا متفاوت اذیدگها توده ها و نیروهای خلق که دیگر اولاقوط شاه را حتمی میدیدند و ثانیاً خلق مدتها بود با خائن گوناگون به مبارزه مسلحانه روی آورده بود و مقاومت بیش از این در مقابل خواست خلق ممکن نبود. مضافاً اینکه متاثر از مبارزات خلق عناصر بائین حزب نیز رهبری را برای اتخاذ موضع مثبت درمورد مبارزه مسلحانه تحت فشار شدید گذارده بودند. حزب توده در جریان انقلاب به تائید شخصیتی و جریانی برداخت که در پانزدهم خرداد ۴۲ در مقایسه با رژیم شاه خائن جزویبها ارتجاع محسوب کرده بود. ولی اینبار، از آنجا که اوضاع اساساً تغییر کرده بود و شاهین ترازوی قدرت بنحو محسوسی بفتح آیت الله خمینی تغییر یافته بود، برای حزب توده که سیاستش خریدن بسوی قدرت بهر نحو است، طبیعی بود که به تائید و تمجید نیروهای مذهبی و آیت الله خمینی بپردازد. و حتی این تائید و تمجید به تملق و چاپلوسی ارتقاء یافته! باید این مساله بعد از قیام شکوهمند بیستم ماه شد بیشتری بخود میگردید بطوریکه در روز کارگر حتی به شعارهای مذهبی روی میآورد. بدین ترتیب است که کلیه سیاست های درست و نادرست قدرت مسلط و حاکم برجای میماند و مورد تائید و تبلیغ قرار میگردد. حزب توده اندر فوائد مذهب اسلام بسخن سرائی میپردازد! در مورد عدم وجود تضاد های اساسی بین اسلام و مارکسیسم فتوا صادر میکند! ... و خلاصه میگوید بهر طریق دنباله روی و "حسن نیت" خود را به رهبری انقلاب به ثبوت رساند. از همین رو هم مسوالا وقتی آیت الله خمینی کمونیست ها را بنا دست مسروود تهاجم قرار میدهند، این مجریان سیاست کمونیست درمیدین ماننیز هیستریک وار حملات خود را به نیروهای کمونیستی تلویحاً و آشکارا شدت میبخند تا خود راهمدا با قدرت مسلط جامعه نشان دهد. با وقتی مسئله فرسارده و انتخا با ت پیش میآید با بارباری کاری و چاپلوسی تمام تلاش میکنند شیوه غیر دمکراتیک و ناصحی فرمانده را برای نسا آگاهان، دموکراتیک و صحیح جلوه دهند در حالیکه بگفته "پتان محتوای جمهوری اسلامی بر پشان روشن نیست. این رای مثبت میدهند" در این باره رجوع کنید به مردم ما ره ۳ مقاله "ماور فراتدم" و اوج فسطه و مضالم را مشاهده کنید) ... اما اینکه چرا سیاست و مضمی حزب توده اینگونه است باید در مایت رویزیونیستی و وابستگی بشووری جستجو کرد. موضوعی که در آئینده مورد بحث ما قرار خواهد گرفت.

در شماره قبل، در رابطه با تهمت ناجوانمردانه و خائنه ای که "مردم" ارگان مرکزی حزب توده به سازمان ما زده است، مطالبی نگاشتم که البته تا تمام ماند و در اینجا آنرا ادامه میدهم: رهبران حزب توده در حالیکه در یک جا ("مردم" شماره ۶ - فروردین ۵۸) برای کسانی که از ماهیست واقفی آن بی خبرند، و در جهت نشان دادن جهش و وجهه ای انقلابی و راستین از خود، چنین میگویند: "حزب توده ایران حزب مسئولی است و روزنامه ما بعنوان ارگان مرکزی این حزب هرگز به خود اجازه نمیدهد که به کسی - ... نسبت نادرست بدهد. ما در سی و هفت سال زندگی سیاسی خود میلیون ها تهمت و اهانت شنیده ایم ولی هرگز به هیچکس اتهام ناروا نزنده ایم". ولی در جای دیگر، آنگاه که پای منافع خود و اربابین در میان است، ادعای ریاکارانه و موزرانه خود را "فراموش" میکنند و هر تهمت و فحش ناروایی را به دیگران روا می-دارند و چنین است که ما و بسیاری از مارکسیست ها را بسیار مودبانانه (با دیدگمت با شیوه باسیه و ایدئولوژی) ارائه کوچکترین مدرک و دلیلی به مرتجعین و جاسوسان منتسب میکنند. و بدین ترتیب نه تنها تهمتی ناجوانمردانه و بی پایه بر انقلابیون را ستین میزند، بلکه با بی شرمی تمام، جوانان روزنامه و عناصر نا آگاه خود را نیز مورد استهزاء و ریشخند قرار میدهند. اما راستی چرا حزب توده به چنین تاکتیکهایی تمسک میجوید؟ کما نیکه با "تنگنای تهران" شان ضربات توان - فرسایشی جنبش انقلابی و کمونیستی میبماند و آوردند کسانیکه خود ساواک در ساندن محرمات نه اش از خودی مسودن عنصری از رهبری آنان یاد میکنند (جزوا ساندیده است مسوده توسط دانشجویان میاز خارج از کشور از مرکز ساواک در ژنو)، چنین کسانی چگونه است که به عیب میکوشند حیثیت دیگران را لکه دار کنند؟ واقعا چرا اینان اینگونه عمل میکنند و چنین شیوه های نامردمی را پیشه میسازند؟ چرا؟ برای اینکه ای ساواک سیاست و مضمی حزب توده نادرست استیفای حقوق خلقهای ایران، نه در با سگوشی بخواستها و منافع کارگران و دیگر زحمتکشان، بلکه صرفاً بخاطر نزدیک شدن هر چه بیشتر بقدرت و باز کردن جای پای بسزای ارباب خود است که بهر وسیله ای دست میسازند. آری هدف قدرت است و در منطق ماکیا ولیستی اینان، راه چگونگی حصول باین هدف مطرح نیست. و از همین رو هم خریدن بسوی هدف (قدرت) وسیله را توضیح میکند. حال این وسیله هر چه می-خواهد باشد، این چیزی است که حزب توده در طول حیات خود بارها با کردار و رفتار خود (بر اوصحه گذاشته و) آنرا نشان داده است. و اگر چه از بارباری گرفتن چنین روشهایی بسزای دستپاچی بمقدس پیروهای نچسته و هریا ریا نکت و رسوائی هم آغوش بوده است لکن پای از این طریق بازین نکتینسده (بدلیل ماهیتش) و این راه بی سرانجام را طی میکند. شرکت در کابینه قوام و تحصیل چند کرسی وزارت با آن تا قابت معیوش فن ارجله برجسته ترین نمودهای مضمی و سیاست فریب طلبانه و رویزیونیستی اینان میبماند. ارتجاعی خوانسندن قیام خونین و مردمی ۱۵ خرداد ۴۲ و تقبیح و ناسزا گوئی به مبارزان جان برکفی که با بدست خالی در زیر پرکسیار مسلسلها ندای آزادی و آزادگی و فریاد مرگ بر شاه را سر داده بودند و در عوض مداحی "نکات مثبت" اطلاعات شاهانه اذ دیگر عملکردهای حزب توده میباشند. که در عین حال منطق بر سیاست و خواست اربابین قرار دارد. تبلیغ شعوری های سازشکارانه و چشم امید داشتن به رژیم شاه بسزای بیازی گرفتن اینان، و پس از بی حاصل یافتن این انتظار نگاه خود را به جناح "دوران نیش" هیئت حاکمه دوختن و به امید عمیق شدن تضادهای درونی هیئت حاکمه مزدور سابق روز شمار ی کردن (برای استفاده از این تضادها در جهت منافع گروهی و ارباب) ، ادامه منطقی سیاست حزب توده است که در دوران بعد از قیام با نژدهم خرداد ناچندی قبل از او و دیگری مبارزات توده ای خلقهای ما تا دم و داشت. حزب توده همچنین در زمانیکه تمام خلقهای مایکپارچه شعار سرنوینی رژیم وابسته با امپریالیسم شاه خائن را سرمی-دادند، مبارزه با دیکتاتور شاه را مطرح مینمود و با جد کردن حملت دیکتاتور از ذات و ماهیت وابستگی رژیم مسنخور پهلوی با امپریالیسم، میکوشید تا جنبش خلق را سه بیراه بکشد. اینان در زمانیکه تمام گروهها و سازمانهای انقلابی (مارکسیستی و غیر مارکسیستی) راه نپرو میسازند، مسلحانه را برای سرنوینی رژیم شاه تبلیغ و ترویج می-کردند، راههای مسالمت جویانه و فرمیستی را مطرح مینمودند و در صورت برقراری دمکراسی آریا مپوری نمف هائی گله میسر میسازند. و تنها هنگامی شعار مبارزه مسلحانه را مطرح نظر قار دادند آنهم از پایگاهی عمیقاً فرصت طلبانه و بی

سربازان پادگان خرم آباد خود را تقویین و مجازات فرماندهان ضد خلقی میباشند.

سربازان پادگان خرم آباد (تیپ مستقل ۸) نسبت به رفتار فرماندهان این پادگان شکایت دارند و میگویند "کم کم همان روابطی که در زمان شاه خائن در پادگان برقرار بود، دارد دوباره زیر نام اسلام و امام خمینی اجرا می شود". چندی پیش سربازان به کمیته امام در خرم آباد می روند و از رفتار فرماندهان ارتش شکایت می کنند و لیس کمیته به جای رسیدگی به این مسله پاسخ می دهد تمام فرماندهان برگزیده امام هستند، اگر شما مسلمانید باید آنها را قبول کنید. آن کسانی که شما را تحریک می کنند تا شکایت کنید کمونیست هستند و غیره ... سربازان می گویند که ما می خواهیم راجع به موقعیت سیاسی و اجتماعی فرماندهان و نیز سابقه مبارزاتی آنها اطلاع کامل داشته باشیم. مثلاً در مورد سرهنگ قنادان که حالا فرمانده تیپ ۸ است، شنیده ایم که قبلاً در سر-کوهی جنبش مردم مبارز گران بر علیه رژیم شاه خائن، دخالت داشته و احتمالاً فرمانده سابق لشکر بجنورد بوده، یا سرهنگ یار احمدی که حالا معاون سرهنگ قنادان است به شهادت کلیه سربازان، موقع فرار شاه از ایران، گریسه می کرده و بسپار ناراحت بوده است. سربازان همبظور نسبت به انتخابات شورای پادگان هم اعتراض دارند، آنها می گویند که شو رای نفره پادگان کاملاً فرمایشی است و اصلاً انتخاباتی انجام نشده است و ما نمی دانیم که اصلاً نماینده ای از جانب خود مان در شو-را داریم یا نه. و ترکیب شورا هم نادرست است و همعاش درجه داران هستند و نمایندگان واقعی ما در شورا شرکت ندارند. مثلاً یکی از اعضای شورای نفره سرهنگ فرمنش است که سابقاً باز پرس ضد اطلاعات ارتش شاه بود. قرار بود که روز شنبه ۱۸/۱/۵۸ سربازان برای اعتراض به طرز رفتار فرماندهان با صلاح انقلابی فعلی که در واقع همان فرماندهان ارتش سابق شاه هستند جمع شونسد و نزد فرمانده تیپ "سرهنگ قنادان" بروند. یکی از سربازان می گفت: "در جریان کشتار خلق مبارز کردستان - توسط ارتش ضد خلقی - در اولین شب کشتار مردم خرم-آباد، فرمانده تیپ ما که سرتیپ آذری بود به مسال دستور تیواندازی داد. البته عده زیادی از ما، از انجام این عمل خود دریغ کردیم و فقط عده ای از سربازان نا آگاه در جریان کشتار شرکت کردند. سپس بر اثر اعتراض سربازان پادگان دولت مجبور شد که او را عوض کند. اما، حالا شنیده ایم که او فرمانده غرب کشور شده است. سرتیپ آذری شش ماه پیش رتبه گرفته است او قبلاً با درجه سرهنگی در جریان کشتار خلق ظفار شرکت داشت. چنانچه در روزنامه ناشر شماره ۲ صفحه ۸ سربازی به اسم محمد - که در خرداد ماه ۵۲ به ظفار برده شده بود در پاسخ به خبرنگار این روزنامه گفت: (... ما پدافند هوایی بودیم و مستقیماً در جنگ ظفار دخالت نداشتیم به همین دلیل چیزی نمی دانستیم فقط شنیده بودیم که شاه به سرهنگی بنام "سرهنگ آذری"، گفته "اختیار تمام داری هر کاری که می خواهی بکنی". این سرهنگ آذری همان سرهنگ گمتی هست که جاده سرخ را از چریکها پس-گرفت) ، حالا این جاده با اسم سرهنگ آذری نامیده می شود. یکی دیگر از سربازان در مورد سرتیپ آذری گفت: او در ایجاد جنگ روانی و کشتار مردم دست داشت و پس از وقایع اخیر خرم آباد، جوانان این شهر قصد داشتند او را بخاطر کشتار و جناياتش اعدام انقلابی کنند.

تاریخ گزارش ۵۸/۱/۱۹

گرامی باد یاد رفیق شهید هادی فرجاد پرنسنگ (سعید)



دوازدهم اردیبهشت اسامال معارف بود با سومین سالگرد شهادت رفیق شهید فرجاد پرنسنگ(سعید).
رفیق فرجاد بیگی از فرزندان راستین خلق و سموی نه‌ای از انقلابیون صدیق و پرشور بود که در سالهای سیاه گذشته جان برکف در مقابل رژیم سرمایه داری وابسته قدمم کرد. و خوش در راه آرمان خلق بر زمین ریخت.
رفیق فرجاد فارغ التحصیل دانشکده اقتصاد

و گریز نابرابر ، بدست ما مورین جنا پیکار ریشه‌ها دست رسید.

گرامی باد خاطره، همه شهادی راه آزادی و استغفر لال

توضیح

اخیرا جزوهای بنام " چگونه ما از سازمان پیکار ... روی برگرداندیم " با امضای " رزمندگان رهائی خلق " منتشر شده که در آن ادعا شده که " گروه " فوق ... قبلا از گروه‌های سبائییزان وابسته بسه سازمان پیکار ... " بوده است . بدین وسیله ما هرنوع وابستگی تشکلاتی چنین گروهی را بـخـود (و بالطبع جداشـانرا) تکذیب میکنیم .

دوستانش شور و صفا و صداقت کم نظیرا و را بخاطر دارند. او از عناصر پیشرو و رگسیت لنینیست جنبش دانش جوئی بود که موردا اعتماد و احترام دانشجویان قرار داشت. رفیق چندماه قبل از مخفی شدن فعالیت علنی خود را در رابطه با جریان بخش منشعب سازمان همدین آغاز کرد و در اسفند ۵۴ مخفی شد و تمام نیروی خلاقی و استعداد خود را در راه آرمان خلق نهاد. او در تشکلات نیز عنصری برجسته و کارآمد بود. هر چند عمر تشکلاتی او کوتاه بود، ولی در همین مدت کم او توانست قدم های متعددی در راه خدمت بمنافع زحمتکشان بردارد. رفیق فرجاد عمده فعالیت مخفی خود را در شاخه مشهد انجام میداد. در بهار سال ۵۵ رفیق حین تخلیه یک انبار تشکلاتی، توسط مزدوران ساواک شناسائی شد. او پس از یک درگیری طولانی که حدود ۶ کیلومتر مسیر را در بر میگرفت، با رشادت و روحیه انقلابی کم نظیر با مزدوران رژیم جنا پیکار روبرو شد و در ضمن این جنگ

ری دیگر در مقابل خواستهای برحق و عادلانه آنان خواهد ایستاد. خلقهای عرب و از جمله خلق فلسطین نمیتوانند به پیروزی دست یابند مگر اینکه مبارزه ضدامپریالیستی خود را به مبارزه علیه طبقه تاجرای و حاکم کشورهای عربی نیز پیوند زنند. دشمنان انقلاب خلق فلسطین و دیگر خلقهای عرب امپریالیسم، صهیونیسم و مرتجعین عرب هستند.

حقوق خلق فلسطین و ... هیچ جایی در محاسبات بورژوازی کمپرا- دور که حول منفعت بیشتر بهر طرف- یق و یا هر وسیله دور میزند، ندارد. این " پیمان صلح " خیانتکارانه- نه همچنین به حضور امپریالیسم آمریکا در منطقه بعد و ویژه داده و به " اسرائیل " متجاوز که سالیانه یک میلیارد دلار کمک نظامی از آمریکا دریافت میدارد اجازه میدهد تا بعنوان یک پایگاه تجا-

خاطر اسرائیل از جنوب غربی آسوده شود، نتیجتا نیروهای متجاوز صهیونیست بتوانند با امکانات بیشتر و آزادی عمل وسیعتری در مرزهای شرقی و شمالی به تهاجم خود ادامه داده و چه بسا سرزمینهای دیگری را نیز به تصرف در آورند و حملات نظامی خود را علیه انقلاب فلسطین متمرکز تر نمایند. بر مبنای قرار داد " صلح " مزبور، قوای اسرائیل در صحنه‌ای

برسمیت شناخته شود و مردم فلسطین و ادار شوند تا در ازای یک دولت پوشالی در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه از رهائی کلیه سرزمینهای خود صرف نظر کنند. قتل عام و کشتار رزمندگان فلسطینی در لبنان توسط ارتش ضد مردمی حافظ اسد و نیز هجوم فالاترینستهای فاشیست لبنان- ن با حمایت " اسرائیل " و رژیم مزدور شاه خائن و تأیید دیگر نیرو-

خلق فلسطین در طول تاریخ مبارزاتش و بیژنه پس از تجاوز صهیونیسم و تشکیل دولت اشغالگر " اسرائیل " در سال ۱۹۴۸ - توطئه‌های بسیاری را از سر گذرانیده است، توطئه‌هایی که هر کدام در جهت سرکوب کردن خلق فلسطین و مبارزات دلاورانه‌اش بوده است. امپریالیستها و صهیونیستها، خلق فلسطین را بزور سر نیزه و قتل عام از سرزمینش بیرون کردند و فلسطین را به پایگاه تجاوز خلق های منطقه تبدیل نمودند. لیکن مردمی که میهن خود را از دست داده بودند بپا خاستند و برای آزادی تمامی میهن خود، یعنی تمام سرزمین فلسطین به پیکاری خونین روی آوردند و نگذاشتند تا پرچم مقاومت و انقلاب فرو افتد و آرزوهای شوم امپریالیسم و صهیونیسم مبنی بر نابودی خلق دلاور فلسطین صورت تحقق بخود گیرد. مبارزات قهرمانانه خلق فلسطین تودهنی محکمی بسود به امپریالیستها، صهیونیستها و تمام مرتجعین که میکوشیدند و وجود خلقی را با تاریخ طولانی و پر افتخار انکار کنند. اما بموازات رشد و گسترش مبارزات خلق فلسطین و کسب پشتیبانی و حمایت هر چه بیشتر نیروهای انقلابی و مترقی جهان، توطئه‌های امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع فزونی گرفت و ضربات زیادی را بر این خلق مستمیده و قهرمان وارد آورد. کشتار وسیع دلاوران فلسطین در سپتامبر سیاه ۱۹۴۰ توسط ملک حسین جلاد با حمایت بیدریغ امپریالیسم آمریکا، ضربه مهلکی بود که بر جنبش مقاومت فلسطین فرود آمد. طرح کنفرانس امپریالیستی ژنو که با پیشنهاد شوروی و حمایت آمریکا ارائه شد توطئه دیگری بود تا خلق فلسطین به پای میز مذاکره با " اسرائیل " اشغالگر کشانده شود، دولت " اسرائیل "

فلسطین و توطئه‌های امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع

خلق فلسطین هر چه جلوتر میرود به این مهم بیشتر میرسد که آری باید انقلاب کرد و جنگید تا میهن فلسطین و کلیه سرزمینهای اشغال شده توسط صهیونیستها آزاد گردند. ولی این انقلاب تنها نمی تواند توسط خلق فلسطین صورت پذیرد. دشمنان خلقهای عرب مشترک هستند و انقلاب فلسطین جزئی از کل انقلاب عرب بشمار میآید. بدین ترتیب انقلاب فلسطین از انقلاب عرب جدا نیست و خلق فلسطین درهم گامی، رزمنده و پیگیر با دیگر خلقهای عرب است که میتواند به پیروزی نهایی دست یابد و در این راه بر شکوه، سلما از پشتیبانی قاطع دیگر خلقهای مستمیده جها ن، چون خلقهای ایران، بر خوردار خواهد بود.

وزی حرکت وسیعتری کند و در این راه و بدنبال سقوط رژیم مغرور شاه سابق، رژیم سرسپرده سادات بر پایه این قرار داد، در کنار اسرا- قیل، بخشی از وظائف رژیم ساقط شده شاه را انجام میدهد. و در راه منافع غارتگران یا نکی در سطح منطقه فعالانه عمل مینماید و در همین رابطه است که ما اکنون سر- بازان رژیم مصر را بجای ارتش من- دور شاه در ظفار می بینیم.

سینا بتدریج عقب نشسته و بدنبال آن پایگاههای " مراقبت " نظامی آمریکائی مستقر میشوند و هفت ماه پس از قرار داد به این شرط چاه های نفت سینا به مصر واگذار می شود که قسمتی از احتیاجات نفتی اسرائیل بطور همیشگی توسط مصر بر آورده شود و بعلاوه مصر موظف است تا مناسبات اقتصادی گسترده با اسرائیل برقرار نموده و بر پایه آن کالاها و فراورده های " اسرا- قیل " به نحو وسیع در بازارهای مصر به فروش رود.

های مرتجع منطقه، ضربات سخت دیگری بودند که به نهضت وارد آمدند. این حملات هدف منهدم ساختن انقلاب فلسطین، آیین طلایه دار جنبش خلق های عرب را تعقیب میکردند و علاوه بر این ضربات، مردم فلسطین بطور اتمام و همیشگی مورد یورش نظامی همه جانبه (هوایی، زمینی و دریایی) مهاجمان اسرائیلی قرار گرفته اند؛ جانیانی که شب و روز به پناهگاه ها و وارد و گاههای مردم مستمید و قهرمان فلسطین حمله کرده، و پیر و جوان، زن و مرد و کودک را کشتار نمودند.

از چندین پیش به اینسو امپریالیسم آمریکا در پی پیاده ساختن توطئه خیانت آمیزی دیگری بود که بالاخره این خیانتتوسط سادات مزدور و بگین تروریست عملی گردید. کنفرانس " کمپ دیوید " بالاخره منجر به قرار داد " پیمان صلح " جدا گانه مصر و " اسرائیل " گردید، بر اساس این قرار داد رژیم خائن سادات موجودیت " اسرا- قیل " و تجاوزش به خاک فلسطین را برسمیت شناخت و آنرا تأیید کرد و در نتیجه آشکارا حقوق خلق فلسطین را لگد مال نمود. این قرارداد منجر بدان میشود که

گشایش سفارت فلسطین در ایران و فراهم آوردن امکاناتی که بمنافع مشترک خلقهای فلسطین و ایران خدمت میکند، توسط " دولت موقت " همینطور محکم نمودن توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم سادات توسط آیت الله خمینی و رهبر جمهوری اسلامی ایران و اقدام انقلابی قطع رابطه با دولت خیانت پیشه سادات با تصمیم ایشان که بحق مور د پشتیبانی خلقهای ما و نیروهای انقلابی است، از جمله آرزوهای و خواستهای خلق ما است که صورت تحقق بخود گرفته است و خلق ما خواهان حمایت همه جانبه از جنبش انقلابی خلق فلسطین است.

نقش امپریالیستها و صهیونیستهای جانی، دشمنان غدار انقلاب فلسطین و دیگر خلقهای عرب هرگز نیاید و نمیتواند نقش ارتجاع عرب را مکتوم نگاهدارد. اینان آزمون که انگان میافتند به فریبکاری دست زده و آن زمان که منافع ارتجاع و امپریالیسم توسط جنبش مردم به خطر افتاد به فتنه انگیزی، توطئه و تهاجمات سرکوبگرانه روی آورده اند تاریخ مبارزات مردم فلسطین بخوبی این امر را ثابت میکند. یک زمان ملک حسین جلاد، زمان دیگر اسد مرتجع و امروز سادات خائن با پشتیبانی بی دریغ رژیمهای مرتجع سلطان نشین عمان، سودان مغرب و عربستان سعودی (و بیژنه این آخری که روز بروز وظائف بیشتری از طرف امپریالیسم آمریکا به او احاله میشود) و فردا مزدور-

حاضر مظهر و نماینده اش سادات خیانتپیشه است از طرفی به دلیل ضعف ذاتی اش توانیایی را می و مقابله با دولت صهیونیستی اسرائیل که از حمایت کامل امپریالیسم آمریکا بر خوردار است ندارد و از طرف دیگر حالست جنگ با اسرائیل مانع از آن میشود که بتواند به کسب سود مورد علاقش نائل آید و از همینروست که به این سازش خائسانه دست میزند و در واژه‌های خود را بروی کالا های اسرائیلی میگذاید. فی الواقع برای روزوازی کمپرادور مصر هیچ دلیلی وجود ندارد که محصولات اسرائیل در بازارهای مصر ب معرض فروش گذاشته نشود و در این راه منافع و حثیت تاریخی خلق مصر،

اقدام انقلابی است که جزینا تأیید نمیگردد از چندین پیش به اینسو امپریالیسم آمریکا در پی پیاده ساختن توطئه خیانت آمیزی دیگری بود که بالاخره این خیانتتوسط سادات مزدور و بگین تروریست عملی گردید. کنفرانس " کمپ دیوید " بالاخره منجر به قرار داد " پیمان صلح " جدا گانه مصر و " اسرائیل " گردید، بر اساس این قرار داد رژیم خائن سادات موجودیت " اسرا- قیل " و تجاوزش به خاک فلسطین را برسمیت شناخت و آنرا تأیید کرد و در نتیجه آشکارا حقوق خلق فلسطین را لگد مال نمود. این قرارداد منجر بدان میشود که

اقدام انقلابی است که جزینا تأیید نمیگردد از چندین پیش به اینسو امپریالیسم آمریکا در پی پیاده ساختن توطئه خیانت آمیزی دیگری بود که بالاخره این خیانتتوسط سادات مزدور و بگین تروریست عملی گردید. کنفرانس " کمپ دیوید " بالاخره منجر به قرار داد " پیمان صلح " جدا گانه مصر و " اسرائیل " گردید، بر اساس این قرار داد رژیم خائن سادات موجودیت " اسرا- قیل " و تجاوزش به خاک فلسطین را برسمیت شناخت و آنرا تأیید کرد و در نتیجه آشکارا حقوق خلق فلسطین را لگد مال نمود. این قرارداد منجر بدان میشود که

عناصر رنجی که در کمیته لشکر ده دوازدهم از عوامل عمده بودند آوردن فاجعه نقده بودند

شهادت هزاران تن از هم میهنان کرد و ترک و ویرانی روستاهای اطراف و بی خانمانی اهالی ستم دیده این منطقه، فاجعه دیگری بود که بدنبال فجایع سنج و گنبد بر خلسق ستم دیده ما رفت .
براستی ریشه ها و عوامل بوجود آورنده چنین حوادث غم انگیز و ضد انسانی در کجاست ؟ کدام دست پلیدی است که اینگز و آنچه روزی در سنج و روز دیگر در کبک و امروز در نقده فاجعه می آفریند ؟
فاجعه و تیراندازی عناصر کمیته صفری به مردم بی گناه سنج ، گلوله باران میتینگ آرام کانون فرهنگی خلق ترکمن بوسیله عناصر کمیته گنبد و تیراندازی عناصر کمیته شماره ۱ نقده بسوی مردم کرد همین طور تیراندازی عناصر کمیته شماره ۲ نقده بروی مردم ترک ، همه و همه بیانگر اینست که بسیاری از کمیته ها بدل به لانه ضد انقلاب و پناهگاه امنی برای توطئه چینی های عوامل مزدور امپریالیسم شده است .
ما قبلا طی گزارشات خود از سنج و گنبد علل و چگونگی حوادث این دو شهر را بررسی کرده و انتشار داده ایم ، در اینجا به فاجعه نقده می پردازیم :

جنایات ارتش ستم نقده یادآوری میسرست که در پی شاه خائن رخ میداد

خلق ترك وكرد كه سالها در كار هم با دوستی زندگی کرده اند ، اینک بدست عوامل ارتجاعی ، فئودالها ، ساوا - کپها و ... بجان یکدیگر می افتند .
ارتجاعی ها میگویند : ناگاه و ساده دل را نیز بنام دفاع از اسلام به منطقه کبک میدارند تا برادران خود را قتل عام کنند .
در این گیرودار ارتش ملی " نیز ظاهرا تحت عنوان میانجی وارد میدان میشوند لیکن در عمل آشکارا جانب ترکها را گرفته و دستش به خون خلق کرد آفخته میشود .
با ورود ارتش ، عواملی که هر یک پنحوی در ایجاد این بلوا دست داشتند ، از کمیته های شهر گرفته تا حزب دموکرات خود را کنار کشیده و مردم را رها میکنند .
و اینجاست که مردم بیگناه قتل عام میشوند ، و بدنبال آن تجاوز به زنان ، شکنجه ، گروگان گیری برآه میافتد ، روستاها با تانک مورد هجوم قرار میگیرند و ... در نهایت این خلسق ستم دیده ترك وكرد است که می بازند .
در مقابل ارتجاع سرمست از تحقق توطئه های کثیفش ، سرحال تراز بی نظاره گرم جاست .

گوشه هایی از جنایات نقده :

- یک کرد که توانسته بود از زندان کمیته شماره یک نقده جان سالم بدر ببرد ، میگفت :
" گروهی از ما را به کمیته امام بردند و هگی مان را کسه حدود چهل نفر زن و مرد بودیم در یک اتاق نگاه داشتند .
اطاقهای دیگر نیز چنین وضعی داشت . هر سه چهار ساعت زنها را برده و تجاوز میکردند . مردها را نیز مرتباً بیرون برده و تیرباران نشان میکردند .
و اینکار ادامه داشت تا زمانیکه فقط هشت تن از ما باقی مانده بود که یک نفر هم هنگام فرار ضرب گلوله " مجاهدین " بقتل رسید . تنها هفت تن زنده ماندیم ."
یک کرد وارد منزل ترکی میشود ۸ نفر را گروگان میگیرد .
در این هنگام یک نفر که پنهان شده بود ، زبشت این شخص را هدف قرار داده و بقتل میرساند .
کرد های دیگر بخانه ریخته و ضارب را با ۸ گروگان دیگر به گلوله بسته و همگی را می کشند .
عصر روز چهارم اردیبهشت ، هلیکوپترهای ارتش " ملی " در ده علی آباد ، نزدیک نقده ، نیرو پیاده کرده و اهالی را به رگبار میبندند که در نتیجه ۷ تن کشته و تعداد زیادی زخمی میشوند .
زخمی ها را به آشنوه میبرند .
گروه پزشکی اعزامی از مهاباد در تاریخ پنجم اردیبهشت چنین گزارش داده است :
" دیروز ساعت ۶ غروب ، هلی کوتری از تپه ای مشرف بر قریه " آلباوه سلدوس " بر زمین نشست ، و تعدادی سرباز و درجه دار از آن پیاده شدند .
و سه تن از پیش مرگ های کرد از اهالی قریه مجاور - " شمس " - را بقتل رساندند .
دیروز همچنین ۸ دستگاه تانک وارد قریه " گلوان " شدند .
یکی از روستائیان که خود شاهد ماجرا بوده ، میگوید :
" دیروز (چهارم اردیبهشت) ، هلی کوتر ارتشی به سه شمس حمله کرده و پنج نفر را کشته و چهار تن دیگر را به گروگان برده است .
همچنین مزدوران " قیاده موقت " به ده ترک نشین " کیلان " هجوم برده و اهالی را قتل عام کرده اند .
زن و شوهری که همراه با بچه شمشاهه شان از دست " مجاهدان " جان بدر برده بودند ، می گفتند که " ما از ترس جانمان به خانه ترکها پناه برده بودیم که آنجا " مجاهدان " ارومیه (کمیته حسنی) سر رسیده و با خشونت کرد ها را احضار کردند .
ترکها گفتند که ما اینجا کرد نداریم ، لکن بعد از پرس و جو فهمیدند که ما کرد هستیم .
یکی از آنها گلنگدن را را کشید و بسوی ما نشانه رفت که ترکها جلوی ما ایستادند و گفتند که اگر میخواهید آنها را بکشید اول باید بروی ما آتش کنید .
کارگر گجکاری که فریب حسنی مرتجع را نخورد و از ارومیه برای دفاع از اسلام به نقده رفته بود میگفت :
روز چهارم یا پنجم اردیبهشت (که گروهی زن و بچه از شهر به طرف کوه ها فرار میکردند) ، یکی از ارتشیان " ملی " با شلیک چند رگبار آنها را زمین ریخت .
من یکی از بچه ها را که زخمی شده ولی نمرده بود از روی زمین بلند کردم .
ولی آن ارتشی کودک را از دست گرفت و با یک تیر خلاصش کرد .
همین کارگر میگفت :
مجاهدینی که سوار بر هلیکوپتر بودند ، و از آن بالا هر کردی را که میدیدند ، می کشند .
او از مهارت این " مجاهدان " شگفت زده شده بود .
چرا که کرد ها را که در حال فرار بودند با تانک تیر یکی پس از دیگری بخاک می کشیدند .
به احتمال قوی این شکارچیان انسان ، از نیروهای تعلیم دده ارتش بودند که در لباس " مجاهد " هنرنمایی میکردند .

گوشه هایی از : فاجعه نقده

جنایات و گروگان گیری آغاز میشود .
ترك وكرد که تا دیروز برادر و رابا هم زندگی میکردند ، و در صف واحد بر علیه رژیم شاهنشاهی و امپریالیسم میزیدند ، اکنون بدام توطئه های ارتجاع افتاده و به جنگ کثیف برادر کشی کشیده میشوند .
با گسترش دامنه جنگ و با ورود " مجاهدان " اعزامی از کمیته ارومیه - حسنی مرتجع - کشتار ابعاد وسیعتری بخود می گیرد .
" مجاهدان " با فریب کرد ها بوسیله چسباندن عکسی از رهبر کردستان - آیت الله حسینی - بروی زره پوش ، لباس پوشاندن سربازانشان ، بوسیله پارچه ای محلی - " آغا پتو " - خود را بشکل کرد ها در آورده و پس از نزدیک شدن به پیش مرگ های کرد ، آنها را بیرحمانه به گلوله می بندند .

بسم الله الرحمن الرحيم
۵۸ / ۲ / ۳
مردم مبارز شهرستان نقده و حومه !
عناصر ارتجاعی و ضد مردمی ، بار دیگر نطفه لشوم خود را سردادند و به دنبال توطئه چینی علیه خواستهای به حق خلقهای آزاد یخواه از جمله خلق کرد ، در شهرهای سنج ، گنبد و آبادان این بار با استفاده از تخریب یک احساسات مذهبی و نژادی ، ساکنان نقده را به جان هم انداختند .
سالها بود ترك وكرد ، شیعه و سننی برادر و رابا هم زندگی می کردند و مسلم است که ایمن جنگ تحمیلی خواسته هیچ يك از طرفین نبوده ، بلکه به زبان هر دو گروه خواهد بود .
با توجه به حقیقت فوق ، از تمام برادران و خواهران مسلمان به ویژه ساکنان شهرستان نقده می خواهم که به برادرگی خانه داده و به فرصت طلبان اجازه نغور در بطن انقلاب راستین ایران را ندهند .
علیرغم خواسته قلبی بازماندگان رژیم پوسیده شاهنشاهی ، مشت محکمی بر دهن یاوه سرایان و نفاق اندازان بزنید و ثابت نمائید که همچون سابق در کنار هم و با هم زندگی می کنید .
در این مرحله حساس از تاریخ خلقهای ستم دیده ایران ، پایان دادن به برادر رکنی نشانه رشد سیاسی و تفاهم و اخوت می باشد ، لذا بار دیگر اکیدا " اسلام می نماید که جنگ خانمانسوز نقده به زبان خلقهای کرد و تسرك تصام خواهد شد .
والسلام علیکم
سید عز الدین حسینی - مهاباد

